

بیکار

پیا ۲۰۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

● پاسخ به نامه ها:

- ۱- نامه رفیق مادری به سازمان ۲- شایعه اشعاب در سازمان صفحه ۴
- قطعنامه راهپیمایی ۱۹/۴/۵۹ دهکده اران و بساتی های کنار خیابان صفحه ۶
- یک رزمنده ترکمن اعدام شد صفحه ۱۶
- خاطره رفقای شهید اصغر دورس، محمد صادق کفاش تهرانی و رفیق شهید رضا براتوندرگرمی باد! صفحه ۱۶

تقی شهرام: ترازوی یا حماسه؟

صفحه ۱۲

پیرامون سخنان ۲۹ تیر آیت الله خمینی

بیش از یکسال و ۷ ماه از قیام مسلحانه پنهان ما میگذرد، ولی نه تنها ابتدائی ترین خواسته های خود را صورت تحقق بخود نگرفته است، بلکه بدلیل سیاستها و عملکردهای ضد خلقی ارتجاع حاکم روز بروز فشار توان فرسای زندگی بردوش طبقه کارگر و سایر محنتگزاران افزوده شده است. قتل از قیام و دردوره ای که جنسش نوده های خلق، نوظفنده و پنهان کن بیش می ناخت و بایه های رژیم جنایتکار شاه جلاد را یکی پس از دیگری فرو میریخت، کمونیستهای راستین بانوحه به سیاست و عمل رهبری خرده بورژوازی جنبش با صراحت بسیار میگردند که رهبری همسنگ جندها را زوده ها غصب است (البته واضح است که این مربوط به قبل از قیام است و از ابعاد قیام گذشته رهبری خرده بورژوازی در مقابل نوده ها و انقلاب فرا گرفت و تحت همونیسی "لیبرالها" به بازی بر ما به داری و ایستادگی بران برداخت (و این مسئله ای بود که بیرونی و با وضوح تمام در زمان قیام (هنگامیکه نوده ها به قیام مسلحانه برداخته بودند ولی آیت الله خمینی هنوز صراحت میگرد که زمان جهاد مسلحانه فرا نرسیده است) به ثبوت رسید و تحت نظرات کمونیستها بر بسیاری مسجل گشت. زمانی هم که رژیم ما فقط شد و "دولت موقت" ما موررا همراه با رهبری بدست گرفت، کمونیستها و نیروهای انقلابی با شام توان خود کوشیدند که این مسئله را به کارگران و دیگر رنجگزاران تفهیم کنند که بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه خلق کرد در شهرهای نیز همچنان ادامه دارد



رادپوهای امپریالیستی و صدا و سیما می جمهوری اسلامی، علیرغم اختلافاتشان یک هدف دارند:

کودتای امپریالیسم آمریکا در بولیوی

امپریالیسم آمریکا باز هم در آمریکا لادین دست به کودتا زد. آنجا که مانع امپریالیستی با یکی های خونخوار به خطر بینا بند هر جنبه ای مجاز است این منطق همدا امپریالیست است. از زمان استقلال بولیوی در ۱۸۲۵ از استعمار اسپانیا

کیون ۱۸۹ کودتای نظامی در این کشور صورت گرفته است که آخرین آنها کودتای بیجستیده ۲۶ خرداد (۱۷ ژوئیه) بود. آن کودتای نظامی به رهبری ژنرال "لونس کارسیا" انجام گرفت.

بقیه در صفحه ۲

حزب فقط حزب جمهوری اسلامی!

نگاهی به «فاشیست بازی»!
حجت الاسلام هادی غفاری

"ما با کسب ناسبت بازی در ساوردیم ولی از این بعد فاشیست بازی در می آوریم... تصمیم ما بر این است تمام دفاع و مبارزاتهای غیرخطی ما را بکریسم".

سخان صوق که از زبان هادی غفاری در اجتمع هواداران جانشینان (در ۳۰ خرداد ماه) اعلام نمودند برای همه نیرو در رگان حزب جمهوری اسلامی به جاب رسید، عماره و جوهر آن سیاسی است که این حزب رسوا در صدها ده کردن است. این خائنی که حمایت و تحریک آن روی کینسان درون وسطی را سفید کرده است. اکنون با افشا را اعلام میکنند که از این پس از هیچ جنبه فاشیستی رویکردان نخواهند بود و همانطور که در عمل نشان داده اند، اگر با بحال سعی میگردند در انحایاتشان، ظاهر امر حفظ تودوحنی الامکان اقدامات ضد مردمی شان در برده بماند، اکنون بقول خودشان مصممند که "فاشیست بازی" در آورد و آنکارا قدم در راه هیتلر و موسولینی بگذارند.

بقیه در صفحه ۲

مبارزه کارگران بیکار شوشتز

صفحه ۳

چین، بازگشت سرمایه داری

صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نقشه از صفحه ۱

حزب فقط...

بسیار ساده لوحانه خواهد بود چنانچه گفته های هادی غفاری که بزرگترین هنرش حمله کردن علیه نیروهای انقلابی است، صرفا به دیوانگی و حماقت وی نسبت داده شود. حزب جمهوری اسلامی از ابتدای تاسیس خود، همواره این هدف را دنبال میکرد و میکند که بموازات کوشش برای کسب کامل و بلاشک قدرت سیاسی ویرکانا نمودن جناحهای دیگر بسود خود، جنبش انقلابی و در راه آن کمونیستها را با شدت تمام و با استغناء از وحشیانه ترین شیوه ها سرکوب نماید. در واقع اظهارات غفاری در همان خط نوار توسطه آمیز آیت، این مزدور ابریا لیسیم و شورسین حزب جمهوری اسلامی است که هم اکنون موسیویه مرحله اجرا درمیابد. حزب جمهوری اسلامی در صد کسب بلاتنازع قدرت سیاسی و سرکوب هرگونه مداخله مخالف است که این جنبش دیوانه و ارباب انقلاب پرورش میبندد. سردمداران این حزب رسوا گمان میکنند که خواهند توانست با انکار به افکار عقب مانده و ارتجاعی خود، همچنان توده های وسیعی را بصورت پشتوانه و من بقای حکومت ستم گرانه خود حفظ نمایند. آنها در صدد نهضت حراست و پاسداری از نظام مگنبدیده سرمایه داری وابسته بسنه امپریالیسم، افکار رپوسیوید خود را که متعلق به تاریخ - خانه قرون وسطی است، در جا معده مروزی پیاده کنند و از این روست که دیگر علم فریب "لا کراهی - الدین" را بدوران ندهد و شمشیر زهر آگین تفتیش عقاید را از دنیا مبرکسیده اند تا با ترور افکار و سرکوب ایده های انقلابی و مترقی، هرگونه مداخله را از دم تیغ بگذرانند. آنها که همواره نکل و آرا قبل دسترنج زحمتکشان تغذیه کرده و میکنند، در رخا نترین کارشان در گذشته سرمایه گردن خروا را که غندمرود "شک بین دو وسه" بوده، اکنون با سوء استناد از اعتقادات مذهبی توده ها و به قیمت خون دهها هزار شهید و زخمی، خود را در بارگاه خلافت یافته اند. در صدد نهضت هتسک دوران جا هلیت را با توسل به "دیکتاتور میلاسی" (اصطلاح هادی غفاری) بر جا معده من پول ایران تحمیل نمایند. شلاق زدن و سنگ سار کردن انسانها، تنها بیان نگرشهای از فرهنگ بقای ارتجاعی ایمن خائنین است. همانطور که در هشت ترن پیش از این، لیسیمی کا تولیک با "دعا خوانی و غواگری و شکنجه و اعدام" ز فئودالیسم سادری میکرد "بنا ن نریسا همین، و با نل پاسداری نظام سرمایه اند، آنها خواهان حکومتند و در این راه از هیچ جنایت تبعی فرورگذار نیستند. غفاری با مراجع تمام اعتراف کرد که "صدما حکومت گردن است و پس از ۲۵ سال از دست نخواهیم داد!" (همانجا)

هادی غفاری بروایت خودش!



"ما تاکنون فاشیست بازی در دنیا وردیم ولی از این به بعد فاشیست بازی در دنیا وریم...!"

اگر آیت الله خمینی برای صدور جواز رسمی سرکوب مجاهدین با استناد باینکه "ما در قرآن سوره منافقین داریم... " دستور رسمی قلع و قمع آنها را صادر میکند، بدان معنی نیست که برای "دیگران" از اینگونه سوره ها بافت نخواهد شد. همانطور که هادی غفاری گفته است آنها نه تنها "قصدشان حکومت گردن" است بلکه حکومت از نوع "دیکتاتور میلاسی" است که هیچ جریان سیاسی را "غیر خط امام" تحمل نخواهد کرد! از این پس مخالفان سیاسی را براحتمی میتوان تحت عنوان "اشمه کفر" در کوجه و خیابان ترور نمود. بهشتی که گویا در آلمان بعد کافئ از مکتب هیتلر کسب فیض نموده، در یک مباحثه مطبوعاتی با روزنامه خودش متذکر شد که "تشکیل گروه های اسلامی (بخوان جوجه های ترور) برای از بین بردن اشمه کفر با بددرا بیطه با یک شاخه زهری انقلاب (یعنی خودشان) صورت بگیرد" (جمهوری ایلامی ۵۹/۵/۲)

اینکه روزانه در گوشه و کنار کشور به دلایل واهی و بیسی - پایه (نظیر برتاب سنگ) انقلابیون و کمونیستها به جوجه های اعدام سپرده میشوند و دهها نفر در کردستان بجا ک و خون می غلطند، کافئ نیست و از این رومیاید "جوجه های اعدام" را همانطور که در کشورها بی نظیر آرزانتین و برزیل عمل میکنند، وارد میدان نمود. آنها البته این بکنه را بخوبی دریا فته اند که هیچ فردی سبنا آگاهی با سانی عنان اختیار را بدست این مومنان ثبات قرون وسطی نخواهد داد. و آنها نخواهند توانست گریا کشا ر و ترور و خفتان، بیشتر جدی صای بیشتر ترن مسند قدرت تکیه زنند. لکن با همدانینا غا جزا زدگ این واقفیت اند که سرخ تاریخ و سر بروردن جامعه انقلابی ایران برخلاف امبال و آرزوهای ارتجاعی آنان درمداری دیگر، میکرد.

بدینی است تلانی که از طرف ایسان برای باز گرداندن جامعه مدها سال به عقب صورت میکرد، تلانی پس مدیوحا نه و محکوم بدست است. افکار عمومی جامعه را کسکال بین با بین سون، نشان میدهد که

نقشه از صفحه ۱

کودتای...

غلبت این کودتا چه بوده؟ آمریکا در آبان ماه امسال برای پایان بخشیدن به "وضع ناپامان" بولیوی توسط مزدوران خود به رهبری سرهنگ "آلبرتونا توش" دست به یک کودتا زد. ولی مقاومت دلیرانه طبقه کارگرو سایر توده های زحمتکش بولیوی دولت کودتا - جان را مجبور به عقب نشینی و استعفا نمود. بدینسان این کودتا، انتخابات فرمایشی صورت گرفت. ولی در این انتخابات هیچ یک از پاندهای هیات حاکمه مزدور و ارتجاعی این کشور موفق به کسب آرایمیزان ۵۱٪ نگردید. به این لحاظ در ۲۵ آبان ۱۳۵۸ رئیس کنگره دولتی "لیدیا گشیرتخا ده" بطور موقت رئیس جمهور شد. اما دولت جدید نیز به علت ماهیت وابسته و ضد مردمی اش نمیتوانست خواهستهای توده های زحمتکش را پاسخ گفته و به بحران سیاسی و اقتصادی کشور پایان بخشد.

امپریالیسم آمریکا و نظام میان بومی سرسپرده اش که میدیدند سیاست لیبرال منشا نه دولت ضد انقلابی "لیدیا" نمیتواند بر واقع مسلط شده یعنی مبارزات توده ها را کاملاً سرکوب نموده و بحران جامعه را بسه

پایان برساند، دست به کودتای جدیدی میزنند. بلیوی یکی از ماردکنندگان مهم قلع و طلال در جهان می باشد و شرکت های بزرگ آمریکا شی سود هنگفتی از غارت این منابع و سایر ثروت های ایمن کشور به جنگ می آورند. بنا بر این امپریالیسم آمریکا برای آنکه بشوا ند بطور مستحکم تر منابع سرشار خود را تضمین نماید و از رشد مبارزات مردم و نیروهای مترقی و کمونیست جلوگیری کند، این کودتا - ی نظامی را بوجود می آورد. کودتا چنان مزدور بلافاصله به اشغال شهرهای مهم پرداخته و ناگاه و رادیو بولیوی بیوزن را اشغال می نمایند. و بدینسان آن مراکز و فاشیست های کارگری را اشغال کرده و آنها را متخل اعلام میکنند.

اما در مقابل کودتا چنان آمریکا شی، کارگران دهقانان، دانشجویان و غیر توده های ستمدیده سرخ - پوستان به مبارزه و مقاومت دلیرانه بر می خیزند. توده های وسیعی از کارگران و از جمله ۵۵۰۰۰ کارگر معادن قلع دست به اعتصاب زده و بطور پراکنده نیز به مقاومت مسلحانه روی می آورند. رژیم کودتا در برابر موج کوبنده مقاومت خلق بطور وسیع به سرکوب خونین مردم دست زده است. او اردوگاه های "میر - افلور" در لاپازیا به تخت این کشور را به زادگاه تبدیل کرده و توده های بسیاری و از جمله رهبران سندیکا شی و نیروهای مترقی را دستگیر کرده و مورد آزار و شکنجه قرار داده است. دولت کودتا برای آنکه بتواند بطور وحشیانه به سرکوب خلق بپردازد "کالوس پاریسی" که از افرادی سودا به سمت رئیس گروه اختنصافی برگزیده است.

لیکن غیر غم این اقدامات ارتجاعی و فاسسی مبارزات کسند و اعتصاب و مقاومت همچنان ادامه دارد. توده ها همچنان بیروزه امپریالیسم خونخوار آمریکا و مزدوران بومی اش مست می گویند.

زیر پای این مرتجعین سوزو و خرده سوزو های مرتد هر چه سریعتر خالی میشود و در دست روری کسبوان "اشمه ارتجاع" در دادگاه توده ها خوانگویی حساب سنگین خود میسند. آنها طوفان در جوا هسکرد. جبراً که با دمی کارند!

جنبش کارگری



مبارزه کارگران پیکار شوشتر

حدود یکماه پیش کارفرمایان مفاکار شوشتر کتبی "های دی" و "کیلا درسیان" توسط نهاد مبه تعطیل دو کارخانه و اخراج بیش از ۴۰۰ نفر کارگر نمودند. کارگران شیکا برای بازگشت به کارخانه اشکال مختلف مانند اعتراض، راهپیمایی، مراجعه شخصی به فرمانداری و... به مبارزه خود ادامه دادند. اخیراً به دنبال مبارزه کارگران برای بدست آوردن مکانی که در آنجا بتوانند برای اداء مبارزه خود تصمیمات جمعی بگیرند، فرماندار شوشتر مدرسه شکوه سارا را در اختیار کارگران قرار داد و دو عدد دادگاه روز پنجشنبه ۵۹/۴/۱۲ کارگران را بکار برگمارد. کارگران طبق گفته او روز پنجشنبه در مدرسه مذکور جمع شدند. آنجا که خضرستان معاون فرمانداری به میان کارگران آمد و گفت: "ما فعلاً کاری نداریم که شما به هیئتاً چند وقت دیگر کارگران از او برسیدند؛" کی این طرحها پیدا می شود و بالاخره کی ما باید سرکار برویم؟ خضرستان جواب داد: "من نمی دانم، ولی برای مدت کوتاهی می توانیم شما را برای نی بوی درگشت وضعیت کارون بکار بگیریم ولی هیچگونه تعهدی نمی دهیم، و اگر ضمن کار زخمه (داس) نی بوی پیدا و دستتان خورد ما مربوط نیست." کارگران می دانستند که این وعده های تو خالی دردها را در او نمی کند. از اینرو تصمیم گرفتند به طرف فرمانداری راهپیمایی کنند. آنها در حالیکه فریاد می زدند: "کارگاران نیست شکار بیکار، کارگاران حق مسلم ما است. کار با پیدا بجا دیشه وعده وعیدتون" (پ) منظور طرحهای تولیدی گسترش است که به یک عده چند نفری وام می دهند تا در مقابل آن، کارمندی مثل بیمه نگاری انجام دهند.

اعتصاب کارگران مبارز شرکت «استاندارد»

بند ساخت برداخت مبلغی به عنوان حق تراز (۱۱) به عده ای از کارمندان حسابداری شرکت استاندارد (یکی از شرکت های گروه صنعتی گفش ملی) روز یکشنبه ۱۵ تیرماه ۵۹ کارگران این شرکت که از مدتها قبل حقوق عقب مانده ای نظیر حق اولاد، ۶۰۰ تومان حقی تولید، وام و... دادند و هر بار به بهانه های از طرف سورا و مدیریت بست کوشش انداخته میشد، دست به اعتصاب میزنند. در این رابطه سینه های عوامیل خود فروخته برای برآکدن و بهین بست کشاندن اعتصاب کارگران بجائی نمی رسد. روز دوشنبه ۱۶ تیرماه سه خواست و با فشاری کارگران اعتصابی و برخی عناصر سورا "مهاجرانی" مدبرعامل گروه "هاشمی بور" مدیریت شرکت برای توضیح علل عدم پرداخت مطالبات کارگران، از جمله عدم پرداخت حق تولیدی مبلغ ۶۰۰ تومان که قرار بود از فروردین ماه ۵۹ پرداخت شود و بر سریدگی به خواست های آنها در اجتماع آنان ظاهر میشود در این هنگام یکی از کارگران بشت بلندگویی و پس از مدتی صحبت در باره مشکلاتشان از مهاجرانی می پرسد: "تو میبیل گران تقصیری که زبیرتای شما است از کجا آورده ای؟" و مهاجرانی اظهار میکند: "این ماشین مال گروه نیست." کارگران که میدادند ثروت امانت مهاجرانی - ها حاصل دسترنج آنهاست، پس خود مزه می کنند که این ماشین را از گفش بلامه دریده است. (وی قبلاً مدتی در گفش بلا "کار" میکردند است.) سپس یکی از کارگران زن بشت بلندگویی گوید: "آقای مهاجرانی! من سالهاست که زحمت می کشم، الان موقع استراحت من است، اما هنوز هم مجبورم کار کنم، چون حقوقم نمی رسد! چرا نباید من با زنته قوم؟ مهاجرانی که از طرف کارگران به جا که کشیده شده بود، برای قرار از زبیرس خضم آنها پیشنها میدهد که زهر قسمت بکنند نمابنده تعیین شوند تا آنها به محبت بنشینند و خود اجتماع کارگران را ترک میکنند. کارگران پس از بحث و گفتگو خواهشهای خود را در ۱۴ ماده تنظیم کرده و آنرا به اطلاع مدیریت می رسانند بعضی از خواهشهای آنها عبارت است از: پرداخت حق تولیدی به میزان ۶۰۰ تومان در هر ماه، قبول دوفرتزنده رکود گفشان سورا مان دادن به وضع رستوران، دادن گفش و... مدیریت انجام خواهشهای کارگران را تقبل کرده و برای اینکار رتا شنبه آینده فرصت میخواهند. کارگران مهلت مذکور را پذیرفتند اما اعلام کردند که اگر پس از انقضای این مدت به خواهشهای آنها پاسخ مثبت داده نشود، بار دیگر دست به اعتصاب زده و از خروج کالاهای سورا جلوگیری خواهند نمود.

سینه کارگران شیکا ریابیدن سرکار. کارگریروز است، سرمایه داران بود است. "طرف فرمانداری حرکت کردند، در مرکز شوشتر سینه به سینه را و خمینی به سورا ریابیدارن به میان کارگران رفند و می خواستند بلندگویی که در دست یکی از کارگران بود بگیرند. آنها می گفتند: "ما از چه کسی اجازه داریم که شما را بهینا می گرفته ای؟ کارگرند که جواب داد: "ما اجازه راهپیمایی خود را از کارگران می گیریم!" آنجا که خروش موسوع کارگران با شعارهایی چون "مرگ برحای سرمایه دار اتحاد، مبارزه، بیروزی" یا "سازمان را و اوار به عقب نشینی کرد، با نادر دیگری که سینه ها موران ساواک از بالای یک دکان از کارگران عکس می گرفت با فریاد "فرگ برسا و اکی" مواجه شد و فرار نمود. انبوه جمعیت ۱۵۰۰ نفری کارگران که با دادن شعارهای "اتحاد، زحمتکشان اتحاد، کارگریروز است، سرمایه داران بود است" از زده براندام حایان سرمایه انداخته بودند، وارد فرمانداری شده و از فرماندار خواهش کردند که به قول خود عمل کند. فرماندار خطاب به کارگران گفت: "من کار ندارم که از چه زحمت خود در سورا و پوسا بدهم، شما طرحهایی نداریم که بزودی آماده می شود." کارگران حق بیمه بیکاری را مطرح کردند اما فرماندار با بی اعتنائی، همان حرفهای معاونش را تکرار کرد و گفت: "روز شنبه تعدادی از شما را به نی بوی می فرستیم؛ البته نی بوی را به صورت هکتاری به شما می دهند." از آنجا که کارگران می دیدند فرماندار رسمی دارد پس از آنهمه وعده بجای ایجاد کرد اما بعد از گذشتن عده ای بکار موقت بدون هیچگونه تضمین جانی، آنها را برای مدت کوتاهی مشغول نماید، با حرف او مخالفت نمودند. بالاخره قرار شد که روز شنبه در مدرسه، شوروی کارگری تشکیل شود و توسط آن طرحهای مهیا شده بین گروههای کارگران تقسیم شود.

کمیته دفاع از کارگران مبارز اخراجی را برپا سازیم

بنابراین با تشکیل کمیته دفاع از کارگران مبارز اخراجی توسط جدید ارتجاع ر تحت پوشش "باکسای" خنثی نموده و بنقاب از چهره کوبه آنها برداریم

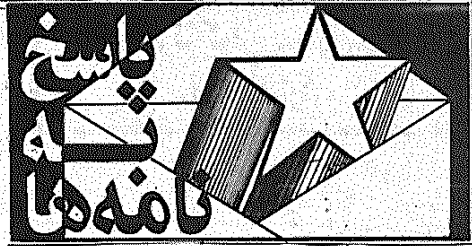
"باکسای عوامیل مزدور و کارفرما، عناصر مزدور و وابسته، تنها توسط سورا های واقعی کارگران مبارز امکان پذیر است"

"اتحادمان ما من بیروزی ما است"

سازمان بیکار زده را آزادی طبقه کارگر (خوزه مازندران) ۱

کارگران مبارز با مشکل نمودن نمایندگان آگاه و مبارز کارخانجات، کمیته دفاع از کارگران مبارز اخراجی را به منظور خنثی و درهم شکستن توسط جدید خدای انقلاب تحت پوشش "باکسای" برپا داشته و با تشکیل صندوق تعاون جهت کمک به کارگران اخراجی، برپا دادند. اخذن جلسات عمومی در کارخانجات، راهپیمایی و سخنرانی های افشاگرانه، تحصن و اعتصاب ندای حق طلبانه خود را بگوش هوطنان خود خصوصاً عناصر آگاه جهت انشای این توطئه برسانید.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



پیکار:

ما در مبارزه و همسنگرد لبر ما!

در روزه های بیگران ما نشانها و تمام ما در آن مبارز و متحدیم. با د. احسان انقلابی شما نسبت به ما زمان بیاید و نسبت را خونین و انقلابی ما میباید. همچنین احسانات بی نشانه و پیشینیانی ما دی و معنوی شما و امثال شما ما را در مبارزه خونینمان در سنگرزحمتکشان بیش از پیش استوار میسازد.

ما با پیام انقلابی شما را به تمام کارگران و زحمت - کشان و خلقهای تحت ستم، به تمام ما در آن زحمتکش و رنج دیده و به همه انقلابیون کمونیست میرسانیم. شما با بداندکی هستند ما در آنی چون شما، که با قلبی سرخ و کینه و نسبت به دشمنان طبقه ای کارگران و زحمتکشان در سنگرزحمتکشان میروزم. ما در آنی که چه بسیار فرزند - انی همچون احمد مو، ذنبا، علوی شوشتریها، دانیالیها، نریمیاها، پیشمرگه های شهیدی همچون نجمیه ها، ستایشها و فقیرها، کاک فو، ادها و شهدای دیگر تقدیم راه را می کشی کارگران و زحمتکشان و خلقها نموده اند. ما در زحمتکش ما!

احسانات انقلابی شما را می ستایم و دستهای مهربان و رنج دیده تان را برای تجدد مینشانی انقلابی خود با تمام ما در آن دلار، بگرمی هر چه تمام متمرکز - فشار مییم.

درد بر تو ما در مبارزه

★★★

سایچه انشعاب در سازمان

مسئله دیگری که بخصوص در هفته های اخیر شایع شده و رفتار در این مورد برای ما تا به عنوان مسئله و توضیح خواسته اند، شایعه انشعاب است. در زمان سبب خاطر اختلاف بر سر سوسیال امپریالیسم است. در این مورد قبیل از اینکه ما به پاسخ ورد این شایعه بپردازیم باید متذکر شویم که این قبیل شایعات از جانب دو دسته دامن زده میشود:

اول - رویزیونیستها و دشمنان جنبش کمونیستی که آمل و آرزوی شان تنزل وافت ایدئولوژیک سیاسی نیروهای م. ا. و انقلابی شدن سازمانهای کمونیستی است. آنها بطور آگاهانه برای تحت فشار قرار دادن و ما بوس کردن هواداران بخصوص دانش آموزان و دانش - جوانان هواداران زمان مرئوس تخمنا بدهی یا سبب تا آنان را نسبت به ما زمان خودی، اعتماد سازند و بدین ترتیب راه نفوذ ایدئولوژی و سیاست رویزیونیستی خود را در بین این قبیل هواداران هموار سازند.

دوم - از جانب گرایشهای روستفکرانه و فرصت طلبانه درون جنبش کمونیستی این قبیل گروهها بدلیل نداشتن دیدگاه منسجم و منسجمی در مبارزه و دیدگاههای انحرافی و خرده بورژوازی در مبارزه ایدئولوژیک همواره در خود را در کوبیدن و شایعه برآکنی علیه ما زمان ما می بینند. آنان بدلیل کرایسات غیر پرولتری خود از نفوذ در بین زحمتکشان و روستفکران عاجزند و یکی از عوامل نفوذ کمتری خود را در کوبیدن ما زمان و تخطئه ما زمان می بینند. آنان تنگ نظرانند به ما زمان ما بنا تندیک رقیب است.

رفقای خواننده! هر هفته نامه های زیادی از شما دریافت میکنیم که حاکی از دقت نظر و برخورد فعال و مسئولانه و انتقادی شما به نشریه پیکار و سوسیالیسم است. هر چند در این صفحه پاسخ به همه نامه ها امکان ندارد ولی ما کوشش می کنیم به نامه هایی که جنبه محسوس و دارای بروری مسائلی انگشت میگذارد که برای بسیاری از رفقا مطرح است پاسخ دهیم. اما این بدان معنی نیست که ما برای نامه های ما کم ارزش هستند، بلکه بجراحت می توان گفت هر نامه ای که از یک رقیب - خواستنده بدست ما می رسد، ولو اینکه حتی به یک نکته کوچک اشاره کرده باشد از نظر ما مهم و در رویدادها رسالتا شایسته است. و به همین علت ما خواهان ارسال نامه های بیشتری از جانب شما هستیم. در این مورد از رفقای ما خواهیم که یکبار دیگر پیکار ۶۲ صفحه ۶، پاسخ به نامه ها را مطالعه کنند.

نکته دیگری که در اینجا ناگزیر از ذکر آن هستیم **ابطاف و تاریخ نامه ها** است که متأسفانه هنوز عادت نیستند. رفقا! نامه ها بمانند ما هم مستعار روی دو حرف برای ارسال ما ارسال دارند تا در پاسخ به نامه ها دچار اشکال نگردیم. تاریخ ارسال نامه را هم حتماً فراموش نکنید. با این توضیح در اینجا به دو مورد از نامه ها پاسخ میدهم:

سلام به بچه های من، کمونیستها

متنی که ملاحظه میکنید نامه رفیق مادری است که برای سازمان ما فرستاده است:

سلام به بچه های من، کمونیستها! سلام و درود به کسانی که هر لحظه از زندگی خود را وقف کوشش در راه ما می کنند. مردم زحمتکش کرده اند. بچه های خوب من! از شما متذکرم که در این راه قدم گذاشته - اید. من به شما بچه های کمونیست هستم. دو پیغمبر کا رگرم و دختر دینچه ام. هواداران ما زمان شما. من خوشحالم که بچه های من از کارگران و تمام زحمتکشان حمایت میکنند. من با شما همواره هستم. دوست است و بیروز می شوید.

بچه های من! از رهبران منحرف و ضد و پاره - ستمهای دشمنان خودگوش ندهید که آنها شما شکست بخورند چون حقیقت بیروز است. من دلم میخواهد که به شما کمک کنم ولی چون بیسوادم، کاری از دستم بر نمی آید. به بچه های من در تازدن اعلامیه های ما زمان کمک میکنم تا رودر آنها را برای سخن و توزیع در میان نموده ها آماده سازیم. من خوشحالم که کمکی هر چند ناچیز به شما است که مسراست بکنم.

موفق باشد یک مادر
۵۹/۴/۲۷

نگاه میکنند و تلاش میکنند با بدبین کردن هواداران، جوانان سازمان آنها را بصحت خود جلب نمایند. همینطور آنان در زمینه مبارزه با ایدئولوژیک از بیان صریح و آشکار مواضع خود طفره میروند. نسبت به پایه های ایدئولوژیک مورد دما ی خود لایقند و تلاش میکنند برای طبیعی جلوه دادن این مسئله ما زمان ما را از جنبش معرفی میکنند. ارزیابی از شوروی به عنوان یک کشور سوسیال امپریالیستی گویکی از بنیان اعتقادی سازمان ما است. از جمله این موارد است، تا بحال گروههای تلاش کرده اند که مواضع و گرایشات رویزیونیستی خود را در برخورد به سوسیال امپریالیسم شوروی بطور غیر مستقیم با عنوان اینسبب شایعه که پیکار نیز نسبت به این مسئله متزلزل است بیوشانند و در بین هواداران اغتشاش فکری بوجود آورند و در همین رابطه است که آنها شایعاتی از قبیل انشعاب بر سر سوسیال امپریالیسم در سازمان را در بین هواداران پخش می نمایند. وظیفه رفقای هواداران در هر دو مورد در روشن است. در مورد رویزیونیستها مشکل همیشه است طرد و افشای کامل و بر ملا کردن اهداف این قبیل شایعه پراکنشها را با بد پیش گرفت.

در مورد دو منیز رفقای هواداران بدین افشا و بر ملا کردن این قبیل برخورد های روستفکرانه و تفرقه افکنانه بر خورد مینشانی خود را در پیشبرد اصولی مبارزه ایدئولوژیک و مبارزه طبقه ای نشان دهند. و سعی کنند که این قبیل گروهها و هواداران آنها را که اغلب صادق هستند به موضع اصولی بکشاند و در مسیر اصولی با آنها برخورد نمایند. با این توضیح، متذکر میشویم که ما زمان بیش از هر زمان دیگر بر مواضع و بنیادهای ایدئولوژیک مورد اعتقاد خود و منجمله اعتقاد به سوسیال امپریالیسم استوار و در درون خود دارای وحدت است. ما در آینده نزدیک کوشش خواهیم نمود تا حاصل تلاشهای شورویک مبارزه ایدئولوژیک خود را در این زمینه، که با همه مادی وحدت درونی سازمان را فراهم نموده است، در سطح جنبش منتشر کنیم. همچنین کوشش خواهیم نمود تا در حد توان شورویک - ایدئولوژیک خود، کلیه تلاشهای رویزیونیستی برای ایجاد تنزل در صفوف جنبش کمونیستی نسبت به این "تنز" و کلیه تنزلات و عقبگردهای اپورتونیستی در این زمینه از جانب برخی نیروهای م. ا. را به زیر هم میزیک مبارزه ایدئولوژیک پرولتری و وحدت آفرین قرار دهیم. بیروز باشد.

رفقا!

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار
- رایش کنید.
- با هر امکانی که دارید تمام
- یا برخی مقالات و مطالب
- پیکار را تکثیر و پخش
- نمایید.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

خلفها ومسئله ملی



مبارزه خلق کرد در شهرها همچنان ادامه دارد

سفر ۵۹/۴/۱۶

مبارزه خلق کرد در شهرها همچنان ادامه دارد

در ساعت ۸ بعد از ظهر این روز عده ای از جوانان مبارز انقلابی شهر در میدان هدلوج جمع شده و با دادن شعار و خواندن سرود پیشانی خود را از پیشمرگان قهرمان اعلام کرده و تظاهراتی مقامت را خواستار شدند. همچنین در این گروه ها شی خواستار آزادی زندانیان شدند. تظاهرات کنندگان با شلیک تیرهای ارتش و پاسداران و جاسها برآکنده شدند و با ردیگر در جاده راه آزادی به یکدیگر پیوستند. در آنجا نیز با شعار و تظاهرات خود را نسبت به ارتش و پاسداران و جاسها نشان دادند و از مبارزات پیشمرگان قهرمان پشتیبانی نمودند. این تظاهرات بعد از تیراندازی پاسداران ارتجاع و ارتش منقطع شد.

در روز ۵۹/۴/۱۸ توسط جوانان مبارز سقز حدود ۱۵ دقیقه تظاهراتی به مانند تظاهرات ۵۹/۴/۱۶ در میدان هلهو انجام گرفت که پیش از آن مدتی عوامی رژیم برآکنده شدند. چند روز قبل از این حرکت (در ۵۹/۴/۱۵) فرماندهان و تدارکات و نماینده ها ما مدرسه جامع و در حضور فقط ۲۵ نفر هرگونه فعالیت گروهی سیاسی و هواداران را ممنوع کرده و به عیب مبارزین و انقلابیون را تهدید نموده بودند.

۵۹/۴/۱۸

کشتار مردم بیگناه

ساعت ۳ با مدادیک جوان که بدنش را ل فریا دیکسی از زنها به ها که "دزدان" از خانه خارج میشود مورد اصابت گلوله پاسداران قرار گرفته و کشته میشود. در مقابل اعتراض مردم موخا نوا ده کشته شده، یکی از سران ژاندارمری سقز گفته است میخواهیم از ساعت ۱۰ شب حکومت نظامی اعلام کنیم.

۴/۱۷/ هنگام خروج یک ریوا از شهر بیرزنی توسط آن زیر گرفته شده و کشته میشود به گفته فرمانده ژاندارمری را ننده های زدا شده است.

اخراج کارکنان مبارز تحت عنوان "پاکسازی"

۵۹/۴/۱۹

اخراج کارکنان مبارز تحت عنوان "پاکسازی"

در این روز در امداد حرکت ضد انقلابی و عوام فریبانه ای که اخیرا رژیم تحت نام "پاکسازی" ادارات راه انداخته است نیک هیئت به بیمارستان سقز رفته و حدود ۳۱ نفر از پرسنل ویرستان بیمارستان را با اصطلاح "پاکسازی" میکشند. این عمل بدون هیچ دلیل موجهی

خون سرخ هر پیشمرگ

بگذار خوشه های ما را دانه، دانه درو کنند
بگذار را مفیر گبار و مسلسل های دشمن
خواب، از دیده طفلان تا بریاید
ودل رفقای ما از تبیدن با زایستد
بگذار، جعدا برسرا های ما نوحه سرائی
کنند

بگذار قره نوکرا میریا لیم، "ارتجاع"
نهی موفقیت کذا شی را بکشد

اما ای سترگان دلبر

ای بیکارگران هموزم

بخروشید

بخروشید

خون هر شهیدمان

این جویبار خشم بیکران شده ها

که از دل هر قهریقمان میجوشد

نوبدی است برای ایجادیرچم سرخ

خون هر "کاک عطا"

خون سرخ هر پیشمرگ خلق

نوبدی است برای یگانگی

سفر ۵۹/۴/۲۵

فعالیت پیشمرگان قهرمان

ساعت ۱/۵ با مدادیک دسته از پیشمرگان در شهر درخا بان کریم آباد یک جیب ارتشی را با دست داده و سپس به گلوله می بندند در این جریان که دو پاسدار خود را از ماشین با شین انداخته بودند تا سگری بگیرند توسط پیشمرگان دستگیر شده و جیب از محل حادثه بیرون میروند که زنده اذلتفات جیب خبری در دست نیست و دو پاسدار را پیشمرگان با خود می برند. مردم عکس العمل خوبی در مقابل پیشمرگان نشان میدهند (طبق گزارشات از محل حادثه) در ضمن یادگان کوههای اطراف را میکوبید.

در جریان دستگیری پاسداران ارتجاع او را زخمی کرده و مورد شکنجه قرار دادند و پس از آزار شدید او را به زندان منتقل کردند. سرانجام طوما زندگنی پرافتخار این انقلابی خلق ترکمن "عبدالله قزل" در سحرگاه روز پنجشنبه بجرم "تهدیت با انقلاب اسلامی" و در حقیقت بجرم دفاع از خلق زحمتکش ترکمن، در هم پیچیده شد.

یادش گرامی باد

خبر دیگری از ترکمن صحرا حاکی است که یکی دیگر از زندگان خلق ترکمن بنام "حالی حالی زاده" در آستانه اعدام قرار گرفته است.

عصر روز پنجشنبه روزا عدا مشهید "عبدالله قزل" با پاسداران مزدور در "آقا قالا" دو نفر از مبارزان ترکمن این شهر را که سابقه طولانی مبارزه با زمین داران و... داشته اند دستگیر کردند. هم اکنون در منطقه موج وسیعی از دستگیریهای عناصر مبارزان ترکمن و... جریان دارد.

انجام گرفته است قرار است جریان "پاکسازی" در تمام ادارات انجام میگردد.

روشن است که هدف اصلی این "پاکسازی" هادر درجه اول اخراج عناصر مبارز و انقلابی است هیئت حاکمه جمهوری اسلامی نشان داده است که میخواهد توسط مینوا بدستگاه دولتی را از عوامل رژیم منفقور پهلوی پاکسازی کند زیرا در این صورت مزدورانی چون ظهیر - نژاد، باقوری و... در راه ارتش منقطع این اصلی ترین ارکان حفظ سیستم سرمایه داری وابسته قرار نداشتند. و مزدوران و سرسیرندگان دیگر رژیم با کفشن یک بسمه تعالی "در همه جا خود را" انقلابی و "مسلمان" دوا شده جانی زدند!

۵۹/۴/۱۹

دستگیری جوانان

عصر این روز جاسها و پاسداران در حالیکه در شهر می گشتند جوانان شهر را که جاسها ساسی میکردند دستگیری نمودند. تاکنون عده زیادی به این ترتیب دستگیر شده اند. پاسداران ارتجاع به دستگیرندگان اجازه ملاقات با بستگان خود را نمی دهند. این مسئله موجب نفرت و انزجار هر چه بیشتر مردم را از این خادمین رژیم ضد خلقی شده است.

۵۹/۴/۲۲

دستگیری پاسداران

در روستای "آه نمان" پیشمرگان حزب دمکرات پاسدار را که سوار بر یک بیگان قریب بودند دستگیر میکنند.

بیک رزمنده ترکمن اعدام شد

رژیم جمهوری اسلامی در دنیا له جنایات بیشتر خود در سرکوب خلقهای ایران، بویژه خلق دلاور کسرد و در امداد ما انقلابیون کمونیست و دمکرات، بسیار دیگر دست به اعدام ضد خلقی انقلابی دیگری زده است. در سحرگاه پنجشنبه ۲۶ تیرماه یکی از رزمندگان - انقلابی خلق ترکمن بنام "عبدالله قزل" - به جوخه اعدام سپرده شد "عبدالله قزل" از جمله انقلابیون ترکمنی بود که همراه با چهار تن از رهبران خلق ترکمن، طوماج، محتوم، واحدی و جرجانی در جهت تامین منافع خلق ترکمن مبارزه میکرد. او که از معلمین آگاه و مبارز مینودست بود، به جرم دفاع از خلقش، در جریان جنگ تحمیلی دوم (۱۹ بهمن ۵۸) به اسارت دشمن درآمد. نقش فعال او همانند دیگر مبارزان در مبارزه خلق ترکمن، برای همه مردم آگاه ترکمن صحرا روشن بود.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پیکار

بانه ۵۹/۴/۱۷

اتحادیه بازرگان بانه بر روی مردم شهر

بیش از یک هفته است که با ردیگریا دگان بانه شهر را به شوب و خمیا رسته است این بمباران بیشتر شب هنگام صورت میگردد و با حال چندین خانه طعمه این وحشیگریها گشته است. از آغاز این حمله لشکر ۲ بیادیه مرکز نیز تا کنون در بانه مستقر بوده تا سرکوب مردم بانه را به همه جا نبردند. مردم بانه در این حملات و ایجاد و وحشت در شهر، مردم ناگزیر به ترک خانه و کارخانه خود شده و در این ارتباط نیروهای ارتش و باسداران رژیم خدخلق را ساان از خالی شدن شهر از این بنگه به عناوین مختلف به بخش کذب و تهدید می پودند. یکی از نمودهای این حرکت بخش نوارهای کاست در میان مردمی که از شهر خارج میشوند می باشد در این نوارها کمال بشری می گویند که عده ای "ضد انقلابی" مردم را تهدید به ترک خانه کرده و میگویند مردم بانه بشهر ترک کنند و در این صورت خانه و اموالشان را مصادره خواهند کرد. اما همه این تلافیها بیپوده است. و مردم بانه از زبانه هوشیارند و در این سینه بوس و آن اتوبوس اینجا و آنجا این اکاذیب را افشا میکنند.

۵۹/۴/۱۹

گلوله باران روستاها توسط سرکوبگران

شب هنگام بمباران با گلوله شوب ارتش بانه روستای "برده زه کون" واقع در ۳ کیلومتری بانه پنج نفر به شهادت میرسد. سپس دو نفر از اهالی روستا بسا چراغ شوری به منظور کمک گرفتن بطرف شهر حرکت میکنند که در مسیر راه توسط خمپاره و کالیبر ۵۰ جان خود را از دست میدهند.

در چند روز گذشته روستاهای اطراف شهر بانه بنا بهای "بوئینی سفلی"، "سفید کمره"، "کیوله" "هواره خول"، "بوئین علیا" بطور مکرر شبانه زیر آتش شوب و خمپاره قرار گرفته است.

سندج ۵۹/۴/۲۲

حمله به مقر جاسپا

در این روز پیشمرگان قهرمان مقر جاسپا بانه صلاح الدین ابویی را مورد حمله قرار دادند و خسارت زیادی به آن وارد ساختند. از میزان تلفات و خسارت وارد شده به جاسپا میزدور هنوز خبر دقیقی در دست نیست. پیشمرگان به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند. به نقل از نشریه اخبار جنبش مقاومت شماره ۴ سازمان در مهاباد

حمله شجاعانه به ستون اعزامی

در تاریخ ۵۹/۴/۱۲ ستون اعزامی از مریوان به سندج در منطقه "بارقرو" به کمین پیشمرگان سازمان پیکار (دسته های شهید حسین و امیر) و فدائیان خلق افتاد. در حمله شجاعانه پیشمرگان قهرمان، بنا به اعتراف خود جاسپا و باسداران عده ای از جلادان خلق کرد کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. رادیو سندج رقم کشته ها را ۶ نفر و زخمی ها را ۱۵ نفر اعلام نمود. شهید قهرمانان پیشمرگان با نیروهای خد خلق حدود دو ساعت بطول انجامید. در این درگیری یک جیب و یک ربوی ارتشی از کرافشا شدند. این ستون که شامل هفت تا نکتو و بیرو حدود شصت مانشین بود، با خود تعداد زیادی از مردم روستاها را به اسارت گرفته و در ماسین های مختلف (کامیون، وانت، اتوبوس) بین ستون جای داده بودند. این تاکتیک جدیدی است که میزدور. ان رژیم برای جلوگیری از آتش پیشمرگان بر روی آنها بکار می بندند. لازم بذکر است که ستون مذکور قبل از ورودش به کمین، در منطقه "زرا با تعدادی از پیشمرگان دمکرات را غافلگیر کرده بود. در این درگیری دو نفر از پیشمرگان شهید و دو نفر دیگر به اسارت درآمده بودند که آنها هم بعدا بوسیله مزدوران رژیم اعدام شده بودند.

مزدوران در کمین پیشمرگان قهرمان

دو ماسین سمرغ و آهوی بیابان با بیش از ۳۰ جاسپا و باسدار در تاریخ ۵۹/۴/۱۶ در جاده کامیاران سندج بین تونل و قهوه خانه سر بنا در کمین پیشمرگ - ان پیکار (دسته شهیدا میر) افتادند. پس از حمله شجاعانه پیشمرگان، مزدوران رژیم که نزدیک بود خلع سلاح شوند خود را بداخل یک مینی بوس مافریری انداختند و در بنا به اسارتین خود را محفوظ نگاه داشتند. پیشمرگان هم برای حفظ جان مسافران از تیراندازی خودداری نمودند. در این فاصه یک تانک و چند ماسین دیگری همکام باسداران و جاسپا آمدند. پیشمرگان قهرمان نیز عقب نشینی نمودند. در این درگیری به پیشمرگان هیچگونه آسیبی نرسید اما به گفته شادمان عینی به جاسپا و باسداران تلفاتی وارد آمد.

بنام خدا

قطعه نامه راهپیمایی ۱۳۵۹/۴/۱۹

در رابطه با برچیدن دکه ها و

بساطی های کنار خیابانی

مردم آگاه و مبارز شهران: ما دکه داران و بساطی های کنار خیابان در اینجا گرد آمده ایم تا خواهشهای بحق خود را به گوش هم میهنان مبارز برسانیم.

بعد از انقلاب شکوهمند مردم ایران عده زیادی بیکار شدند. و معمولاً بعد از هر انقلابی بیکاری در جامعه بوجود می آید و با بدولتی که بعد از انقلاب در اس قدرت قرار میگیرد با بدور رفیع بحران و بیکاری اقدام میکند، ولی متأسفانه ما بوجه این بنگه مدت یکسال و نیم از انقلاب شکوهمند مردم قهرمان ایران می گذرد و دولت در رفیع این مسئله هنوز اقدامی ننکرده و هر روز این مسئله ها مندوسیمتری بخود میگرد... در این مرحله زحمتگهان که از زور فقر و گرسنگی و بیکساری شدید اقدام به مساط کردن و ایجاد دکه ها در کنار خیابان ها نمودند و این عمل تنها گذران زندگی و سیر کردن شکم و بیجانان میباند و ما این عمل غیر انقلابی دولت را محکوم میکنیم و با او ریمشوم تا موقعی که دولت را تسلیدی برای افراد درجا معاف بجا دهنده است باید دکه ها و بساطی ها سراجی خود را باندونید و هر روز شاد این درگیری ها و بوطئه ها با شیم و با بد دولت گامیابی در جهت از بین بردن این قوانین بوسیده نظام تا هتاهی بر دارد. ما همرا با بخش رژیم تا هتاهتین بوسیده این رژیم (تیمبره ۱۵ ماده ۵۵) یعنی قوانین سنگینی ها را تسلیش میکنیم و به هیچ وجه حاضر نیستیم بفرمان این که یکی از آنها برچیدن دکه ها و بساطی ها میباندند و شرایط فعلی اجرا شود.

- ۱- ما خواستار لغو دستور جمع کردن دکه ها و بساطی ها از طرف دولت هستیم.
- ۲- ما در صورت ایجاد دکه ها تسلیدی درجا معاف را اقدام به برچیدن دکه ها میکنیم.
- ۳- ما با ایمان به توطئه بودن این جریان (تخریب دکه ها) از کلیه مقامات مسئول ذینفع در این جریان دعوت میکنیم تا طره نظویزیونی برای اثبات ادعای خود میکنند، و آگاهانه این جریان را توطئه ای علیه جمهوری اسلامی میدانیم.
- ۴- ما تا برآورد خواهشهای بحق خود به خصوص بند ۲ ایستادگی میکنیم و از مردم مبارز شهران می خواهم ما را با ریضا بند و قضاوت در این مورد به عهده مردم قهرمان ایران میگذاریم.
- ۵- کلیه اقدامات با بدیا نظر شورای سراسری دکه داران و بساطی های کنار خیابانهای شهران انجام بگیرد.
- ۶- رونوشت به کلیه مطبوعات کشور را دیوتلوویزیون - دفتر ریاست جمهوری - دادستانی انقلاب اسلامی - مجلس شورای اسلامی.

۱۳۵۹/۴/۱۹

شورای سراسری برگزار کنند و راهپیمایی دکه داران و بساطی های کنار خیابان

(اندکی تلخیص شد - پیکار)



از انتشارات جدید سازمان:

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دموکراتیک

رادیوهای امپریالیستی و صدا و سیمای جمهوری اسلامی، علیرغم اختلافاتشان يك هدف دارند:

مخدوش ساختن مرز انقلاب و ضد انقلاب

مدتهاست که رادیوهای امپریالیستی در تبلیغات خود، بر علیه رژیم جمهوری اسلامی سخن می گویند. اولین سوالی که مطرح می شود، اینست که چرا این تبلیغات صورت می گیرد؟ ما در این مقاله می گوئیم بر اساس واقعیات عینی جامعه و سیاستهای امپریالیسم بطور مشخص به این مسئله پاسخ دهیم، ابتدا به یکی از مسائل اساسی جامعه خودبستگی.

توده ها از رژیم روی بر میگردانند

گرانی سرسام آور ما نیاز به اولیه زندگی توده ها بیکاری، از بین بردن حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و... شرایط طاقت فرسایی برای زحمتکشان زمین ما بوجود آورده است. این گرانی و تورم و بیگاری بخاطر چیست؟ چرا اینکه رژیم جمهوری اسلامی با حفظ وابستگی ها به امپریالیسم، با ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته و کوشش برای بازسازی کامل این سیستم ضد خلقی، تمامی بیماری ها و بحرانهای امپریالیسم - لیستی را به میهن ما منتقل می سازد و از جمله - گرانی، فقر فلاکت و دستگیری را به زحمتکشان ما هدیه می دهد.

سرکوب خلقهای کرد و ترکمن، کارگران، دهقانان و خلاصه زحمتکشان و انقلابیون سادف منافع توده ها و لگدکوب کردن دیتا وردهای قیام خونین بهمن ماه، بیش از پیش به توده ها نشان می دهد که این رژیم نیز می کوشد تا سرکوب، کشتار، خفقان، گرانی، بیگاری و خلاصه همه آنچه را که بخاطرنا بودیش بقیا مبر خواسته بودند به آنان هدیه کند، چرا که این پدیده ها، از ملزومات رژیم سرمایه داری وابسته است. خوب، بی آندش روشن است: توده ها بتدریج از رژیم روی بر میگردانند و هر چه ابتدا با نا باوری اما بسرعت، رهبران مورد اعتمادش را در صفوف دشمن می یابد، توهمنی - شکنند و لشکر توهمنه رژیم جمهوری اسلامی کوچک و کوچک ترمی شود.

در چنین شرایطی رژیم هر اسان میکوشد با لطف الحیل از افتادن در سراشیب انفراد جلوگیری کند. "ایست الله خمینی" مرتب سخنرانی میکند و رژیم میکوشد از اعتبار روی و نیز از احساسات پاک مذهبی توده ها و... استفاده کند. خمینی از مردم میخواهد که در نماز جمعه شرکت کنند و نگارانی خود را از کاهش نماز - گزاران جمعه" ابراز میدارد. جناحهای دیگر هئیت حا که هر یک میکوشند تا عامل بران، گرانی و سرکوب زحمتکشان را به جناح دیگر حواله دهند. در این راه هم صاحب قدرت بیشتری می گردند و هم با بیگانه توده ای طرف مقابل را بفریبند و نیز بخصوص خود را بیگناه جلوه داده، از شکستن توهمنه ها نسبت به جناح خود - شان مانع شوند. چنین است که فشار جنبش توده ای و بریدن بخشهای بیشتری از مردم، با الیها را بیشتر و بیشتر بجان هم انداخته است.

اما طبیعی است که امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها با دقت اوضاع ایران را مورد مطالعه قرار میدهند و با زهم مسلم است که میکوشند تا توده های کهنه شده از رژیم جمهوری اسلامی را بسوی خویش جذب کنند. اکنون به سبب این شرایط کنونی میهن ما، که رژیم جمهوری اسلامی روز به روز چهره ضد مردمیش را

آشکارتر کرده، ما توانیش را در بر آوردن ابتدائی ترین خواست توده ها بیشتر و بیشتر آشکار می کند و توهمنه ها بسرعت میتکند، امپریالیسم در تبلیغات وسیع خود و نیز در رادیوهای امپریالیستی اش چه اهدافی را دنبال میکند.

امپریالیسم آمریکا "وحدت و تضادش"

بازرژیم جمهوری اسلامی

گفته ایم و باز هم میگویم، امپریالیسم جمهوری اسلامی ایران بر سر پایه زسازی کامل سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب زحمتکشان با یکدیگر وجودت دارند، اما علیرغم این وحدت نا مقدس بر علیه انقلاب، با یکدیگر در تضاد نیز هستند. سرمایه داری - وابسته ایران که قدرت سیاسی حا کم تا تمام قوا در حفظ و حرارت و بازسازی آن میکوشد، وابسته به امپریالیسم جهانی است. ما در کنار این جنبه های اساسی "وحدت" امپریالیسم با رژیم، رژیم جمهوری اسلامی کار گزار امپریالیسم نبوده و در میان امپریالیستها در نوسان می باشد. این امر جنبه "تضاد" مسئله را توضیح میدهد. هیئت حا که ضد خلقی ایران گرچه بطور اساسی در خدمت حفظ وابستگی به امپریالیسم قرار دارد، اما، به هیچ وجه همزمنی یک امپریالیست فاش را (مانند زمان شاه ابر خود ندارد).

درست است که حکومت فعلی در سازش با امپریالیسم آمریکا بقدرت رسیده ولی تجربه ۱۶ ماه گذشته نشان داد که این حکومت بدلیل ناتوانی اش در سرکوب قطعی ادا همه نیازات فدا امپریالیستی و دموکراتیک توده ها و وضعیت در سر و سامان دادن به اوضاع از هم گسیخته اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته (هر چند حکومت کنونی عمیقاً از کل نظام اقتصادی - اجتماعی موجود در گذشته دفاع نموده) نتوانسته است بر اوضاع مسلط و خود را در قدرت سیاسی کاملاً تثبیت گردانند. امپریالیسم آمریکا در خروج توفنده مبارزات توده ای خلقهای ما تاگزیر شده بهره دست نشاننده خود یعنی شاه جلاد و خائن را به نفع حکومت فعلی قربانی نماید ولی امیدوار بود این حکومت هر چه زودتر خود را بر پایه سرکوب و کشتار خلق در قدرت سیاسی تثبیت نموده و نظام اقتصادی - سیاسی موجود را در جهت حفظ منافع ضد خلقی و غارتگران امپریالیست ها بازسازی نماید اما حدت بحران انقلابی و روند رشد و اعتلای جنبش از یکطرف و اختلافات بین دو جناح مقتدر در هئیت حا که از طرف دیگر تا حال مانع از تثبیت اوضاع بوسیله این حکومت بشود. از همین لحاظ هست که هم اکنون حکومت نمی تواند مورد نظر و دلخواه آمریکا باشد.

بنابراین مسئله رادیوهای امپریالیستی را بخوبی می توان بر اساس مسائل فوق تحلیل کرد و نشان داد که شکستن تدریجی روز افزون توهمنه ها از یکطرف و "وحدت و تضاد" امپریالیسم با رژیم ایران علل اساسی ایجاد رادیوهای امپریالیستی است. این مسئله را اکنون بیشتر توضیح میدهم.

روی برگرداندن توده ها و تاکتیک

ایجاد "اپوزیسیون" فوق ارتجاعی

گفتیم که توده ها بطور روز افزونی از رژیم روی بر میگردانند، حال نشان میدهم که در مقابل این

واقعیت امپریالیسم دست به چه تاکتیکی می زند؟ امپریالیسم می کوشد از طریق گسترش و بسط شبکه های مختلف تبلیغاتی همچون "رادیو آزاد" متعلق به بختیار، رادیو اسرائیل، رادیو آمریکا، شبکه لجن یراکی انگلستان بی بی سی، بلینند، گوهای رژیم بعثی عراق مثل رادیو عراق و... استفاده از رادیوهای بی بی سی، استفاده از رادیوهای رژیم جمهوری اسلامی، یک اپوزیسیون (فوق ارتجاعی) و با چهره لیبرالی شکل داده و در ضمن آذنان عمومی را برای اقدامات ضد خلقی و بیگانه خشنه مانند (کودتا و...) آماده سازد. (البته نقش این شبکه های تبلیغاتی تنها به شکل دادن اپوزیسیون فوق ارتجاعی و زمینه سازی برای کودتا محدود نیست بلکه از طریق فرستادن رمزسی می نمایند و هدایت سازمانی و برنامه های اقداماتی مثل کودتا را نیز بعهده بگیرند). همه سرگزاین اپوزیسیون فاسق ارتجاعی را عمدتاً نظامیان و مخصوصاً نمایان باز نشسته، بورژوازیهای وابسته به امپریالیسم انتشار مرفه، نوکران خانه ها، راجه پلوی و... تشکیل میدهند.

این اپوزیسیون در مقابل اقدامات سرکوبگرانه رژیم در گردستان، دانستگاه و... که اتفاقاً دقیقاً بوسیله ایادی خود همین امپریالیسم و سرکوبهای هئیت حا که تمام میگرد، فریبکارانه موضع مخالفت میگردانند تا در میان توده ها بی که از رژیم کهنه میبندد یا بگا به پیدا کند.

بدین ترتیب اپوزیسیون به اصطلاح "رتش آزادبخش آمریکا نشان" یعنی همان ارتش شاهنشاهی اسلام آورده فلاحیها و ظهور نژادها گردستان را به خاک و خون میکشد و از سوی دیگر خود همین امپریالیستی که یک قلم ۲/۵ میلیاردر دلار، اسلحه در معمله با نیزی مزدور در اختیار جمهوری اسلامی ایران (در مهر ۵۸) قرار میدهند تا خلق کرد را با اسلحه آمریکا بی و ارتش آمریکا بی و فرمانده آمریکا بی کشتار کنند، از طریق رادیوهای امپریالیستی اش برای زحمتکشان بخون تهیه گردستان اشک تمساح میریزد.

امپریالیستی که بوسیله همین شاه خائن بارها و بارها در سال ۱۳۲۵، ۱۳۲۸ و... گردستان را با خاک و خون کشید و هم اکنون نیز این فتنه میباید با تمام اوست که خلق کرد را کشتار می کند. در مقابل کشتار رژیم در گردستان موضع مخالفت میگردد. "بختیار مزدور که در دیما در سخنرانی اش میگفت همه این سرودها ها (منظور جنبش بیا خواسته خلقمان است). زیر سر کمونیستهاست و منتهی اصلی کمونیستها هم، گردستان است و این کمونیستها میخواهند ایران را تجزیه کنند و... حالا در مقابل سرکوبیای خونین رژیم جمهوری اسلامی موضع مخالفت میگردانند توده های که مخالف

(۸) - اپوزیسیون بمعنای جناح مخالفی است که در چارچوب همان سیستم حرکت میکند. اپوزیسیون به هیچ وجه معنای مترقی و انقلابی ندارد. این اپوزیسیون میتواند لیبرالیها یا خدا انقلاب با شد و میتواند نیک جریان ارتجاعی که متلاخواهان جانیش شدن بر روی قدرت سیاسی حا کم وابسته با حفظ و ترمیم آن سیستم باشد.

کشتا رطلق هستند را بسوی خود جلب کند. گویی مردم ، از یاد برده اند که بختیار مزدور و دیگر ایادی امپریا - لیسم برای منافع اربابان خونخوارشان در ایران حفا مخون راه انداختند ، از تبریز تا قم و از صفهان تا کردستان را به خون کشیده بودند .

رادیه های امپریا لیستی از بحران و گرانی و... سخن می گویند ، بحرانی که دقیقا ناشی از حفظ وابستگی به امپریا لیست است ، دوستان و متحدین امپریا لیسم در ایران یعنی هئیت حاکمه فذ خلقی با حراست از سرمایه داری وابسته ، بحرانهای امپریا - لیستی را به میهن ما منتقل می سازد ، و آنگاه همیمن امپریا لیسم برای گرانی و کمبایی و... سزودا راه می اندازد ، و بختیار مزدور نیز آرازی کفایتسی حاکمان می داند ، گویی مادر طری تمامی این سالها که زیر سلطه امپریا لیسم قرار داشته ایم (از جمله زمان شاه خا کن و بختیار مزدور) قحطی و گرسنگی و مرگ و میر کودگان و زخمگشان میهن خود را شاهد میبودیم . رادیه های امپریا لیستی با تزویر از کشتارها ، زندانها و شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی یاد میکنند گویا ما در زمان رژیم شاه جلاد و بختیار شاه هذخقان با ر - ترین و خونین ترین لحظات تاریخی میهنمان نبودیم . آری رژیم جمهوری اسلامی نیز انقلابیون را شیربازان می کند ، شکنجه می دهد و زندانها را از زخمگشان برمی سازد . امپریا لیست که دست نشان خونین است و خود جزو عاملین اصلی و کشتارگران و شکنجه دهندگان و واقعی انقلابیون ایران بودند حال می گویند مردم ما را بفریبند ، مردم ما می دانند اگر رژیم جمهوری اسلامی کشتار می کند شکنجه می دهد ، بخاطر حفظ منافع خود و آن سیستمی است که امپریا - لیست ایران سوار هستند ، همان جنایتکاری که خود در سالهای حاکمیت رژیم شاهها می مجاهدین و کمونیستها را بدرنده ترین شکلی کشتار می کردند . خالدار رادیه های امپریا لیستی شان برای سرکوبی مجاهدین بدست دوستان و متحدین خود ، هوجبگری می کنند .

آنها که مسئول به فحشا کشیده شدن هزاران تن از دختران بیگنا و فقیر و تنگدست میهنمان در دوران حاکمیت شاه و بختیار (را لیست) امروز نیز رژیم حاکم در این جنایات سهیم است (بودند) ، حالا زدر برده شدن لباس و روسری دختران انقلابی بدست اوباشان رژیم جمهوری اسلامی و با ساداران ضد انقلابی اش نگراندو مظرب گشته اند!

رژیم جمهوری اسلامی دانگها را بخون میکشد و می بندد تا کمونیستها و انقلابیون را تحت فشار بگذارد و سنگر آزادی را بخال باطل خود فتح کند و آنگاه رادیه های امپریا لیستی که می دانند توده ها تا چه حد اناشگاه را عزیز می دارند ، سوحه سرامی می کنند . انگاه مردم ما فراموش کرده اند که همیمن در زمان شاه چگونه دانگها را بخون می کشیدند و با راه می - خواستند از پایه بنددولی تحت فشار توده ها مجبوریه عقب نشینی میکنند .

"ساروسی نرم آوری" است ، رژیم جمهوری اسلامی بسودا امپریا لیسم آمریکا توسط ایادی اش - سون فلاحیها ، نامیرها ، فظ زاده ها ، بهشتی ها ، بزدلیها ، جیرانجا جنایت می کند و آنگاه امپریا لیسم "عابد" شده ، موضع مخالف می گیرد . امپریا لیسم که می داند توده ها روز بروز بیشتر رژیم جمهوری اسلامی را می - ناسند ، ناکیان "حامی" خلقها و زخمگشان ما کشیده

است تا خلق ما را بسوی خود بکشاند ، اما "پوزیسون" سازی امپریا لیستها فقط یکی از اهداف آنسان در ایجاد رادیه های امپریا لیستی است ، چرا که آنها ، اینترنیزمی دانند که توده های زخمگش آگاه شده این "گریه عابد" را بخوبی می شناسد .

سیاست امپریا لیسم

هم از توپره ، هم از آخور

امپریا لیسم آمریکا می بیند که قطب انقلاب روز به روز نیرومندتر می شود و انقلابیون کمونیست و نیز مجاهدین خلق بصورت قطبی درمی آیند که توده های کنده شده از رژیم را بسوی خود جلب می کنند ، ایسین واقعیتی است مسلم که امپریا لیسم علیه غم تلاش در جهت جلب بخشی از توده های نا آگاه به میمن رادیه و دیگر امکانات تبلیغاتی ، نمی تواند واقعیت وجود نیرو - های انقلابی را بنیند و حتی نفهمد که از این ضد ، کلاهی برای او نخواهد بود ، بدین ترتیب علاوه بر تلاش برای "پوزیسون" سازی او از این رادیه ها بعنوان ابزاری برای تحت فشار گذاشتن رژیم ، برای حل تضادها بسود امپریا لیسم و تقویت عواملش در درون هئیت حاکمه و با جناحی که احتمال تطبیق سیاستها با یکدیگر بیشتر است ، استفاده میکند ، اما بجای پوزیسون سازی و کوشش برای تقویت عوامل خود ، امپریا لیسم منفعت عظیم دیگری را در ایجاد رادیه ها برای خود جستجو می کند و آن مخدوش ساختن مرز انقلاب و ضد انقلاب و ضربه زدن به نیروهای انقلابی و کمونیست به میازرات خلق کرده ، با نسجیوان انقلابی و دیگر زخمگشان میهن ما است .

هنگامی که امپریا لیستها که خود دشمن خلق کرد هستند ، برای کردستان انگ تمساح می ریزند ، از یکسو می خواهند در میان توده ها که مخالف کشتار خلقی قهرمان کرده هستند ، با یکا می برای خود بنیاد کنند و از طرف دیگری خواهند این امکان را به رژیم جمهوری اسلامی بدهند تا جا رو جنگال راه بیندازد و انقلابیون را وابسته به امپریا لیسم بخواند ، از یکطرف توده های کنده شده از رژیم جمهوری اسلامی را با مخالفت دروغین با کشتار و سرکوب ، بسوی خود بکشاند و از سوی دیگر بخاطر آن جنید ساسی وحدت طلبانند با رژیم جمهوری اسلامی با مخدوش کردن مرز بین انقلابیون و نوکران خود ، موجب تودتا رژیم ، انقلابیون و زخمگشان را "وابسته" بخواند و بدین ترتیب ، امپریا لیسم هم از توپره میل می فرماید و هم از آخور .

"شوی" گاملی است ، رژیم جمهوری اسلامی ایران در با ساداری از سرمایه داری وابسته از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند ، توده ها به تدریج از رژیم کنده می - شوند رادیه های امپریا لیستی موضع مخالف می گیرند و سپس رژیم جمهوری اسلامی سر سخت ترین دشمنان امپریا لیسم را گنا را امپریا لیسم قرار میدهد . در زمان شاه نیز بخاطر دشمنی که انقلابیون "بیگانه و بیگانه نه پرست" معرفی می شدند ، در روزنامه ها و رادیه ها - تلویزیون شاهها می ، کمونیستها و نیز مجاهدین را "وابسته به اجنبی" معرفی میکردند و... اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی ، زخمگشان و انقلابیون را که با سرمایه داری وابسته قدرت سیاسی حامی آن در ستیزند ، "بیگانه و بیگانه" و "پاروسی" قلمداد میکند ، اما این توطئه کهنه شده است و توده ها که کمونیستها و انقلابیون واقعی را در زمان شاه بساد دارند ، خاطرشان هست که در زمان رژیم شاه خا کن این امپریا لیستها و نیز مجاهدین خلق بودیم که بدست ایادی

امپریا لیسم آمریکا بنیرحما نه شکنجه و تیرباران میشدیم و بنه میوه چینیان حکومتی که در آن دوران با درخا رز مشغول تفریح و درس خواندن بودند و یاد دردا خسل مشغول بنددوبست با "شاهنشای عظیم الشان" ، و طبیعی است که هر قدر با راههای شاه خا کن مینی "برنوکر اجنبی بودن" انقلابیون توانست ، توده ها را از انقلابیون جدا کند ، اینان نیز خواهند توانست خاکبیه چشم مردم بپاشند .

اهدان رادیه های امپریا لیستی را نزد توده ها افشا کنید .

نشان دادیم که چگونه امپریا لیسم وحدت خویش را با هئیت حاکمه در مخدوش کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب در ایجاد رادیه های امپریا لیستی و نیز تضاد خویش را با پوزیسون سازی و اعمال فشار نشان می دهد اما وظیفه ما در این قبال چیست ؟

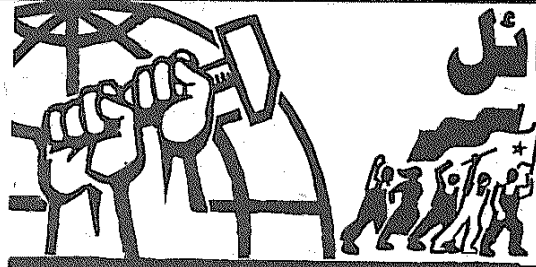
رویزبونیستهای خا کن توده های وابسته ای که حسابشان روشن است ، می گویند آب به آسیاب هئیت حاکمه ضد خلقی بریزند ، رویزبونیستهای "کمیتسه مرکزی" سازمان جریکهای فدائی خلق (اکثریت) نیز هم نظر و که در کار ۵۹ نوشته اند از کنده شدن توده ها از رژیم هراسان شده و می گویند تا توده ها را همچنان به زاید هئیت حاکمه بدل سازند ، مجاهدین خلق نیز در ادامه سیاستهای لیبرال ما با نه خود در قبال هئیت حاکمه گر چه در جهت جذب توده ها بخود می کوشند اما عملا

آب به آسیاب توهم توده ها می ریزند . اما کمونیستها هرگز تا زمانی خود را از کنده شدن توده ها از رژیم ضد خلقی حاکم بپنان نمی سازند و وظیفه دارند این توده ها را آگاه و هم مشکل کنند ، بدین ترتیب کمونیستها وظیفه دارند با افشای سیاستهای ارتجاعی رادیه های امپریا لیستی از کنده شدن توده ها بسمت ایادی امپریا لیستها جلوگیری کنند و با تمام نیرو و خیاالت خود را بتوده ها نشان دهند و بسا جذب توده ها مانع از آن شوند که مردمیکه بی به جنایات رژیم حاکم برده اند ، فریب نیرنگیهای جریان ارتجاعی دیگر چه ایادی امپریا لیسم آمریکا و رادیه ها و تبلیغات - شان چه فریب رویزبونیستهای خروشنجی و ایسادی سوسیال امپریا لیسم روسی و چه فریب سه چپانی های خا کن یا لیبرالها و... را بخورند .

ما وظیفه داریم با افشای ارتجاعی در هر لباس مانع از جذب توده ها به آنان شده خود را بمانا به تنه ها آلترنا تیوی که می توانند به خواستهای تاریخی شان پاسخ دهد مطرح سازیم .

مطبوعات رسمی رژیم جمهوری اسلامی و در رادیه و تلویزیون از طریق سانسور حقایق و نشر بیان اخبار غیر واقعی که صرفا در انطباق با منافع رژیم میباشد و همچنین با اشاعه افکار ارتجاعی کوشش می کنند توده های زخمگش را معمارا از واقعیت دور نگه داشته و موجب نابودی خلافت و آگاه می توده ها بشود . سانسور حقایق نه تنها از نظر مردم را نسبت به رژیم بدست می زند بلکه توده ها را بیشتر متوجه رادیه های امپریا لیست ها کرده و تحت تاثیر افکار رادیه ای ارتجاعی و ضد انسانی آنها قرار میدهد . هم اکنون سانسور حقایق دستکهای تبلیغاتی رژیم و توقیف نشریات نیروهای انقلابی و ضد امپریا لیست که مروجین و مبلغین واقعی افکار انقلابی و منافع طبقاتی توده ها هستند عملا بخشی از توده های زخمگش ما را در برابر تبلیغات گسترده امپریا لیست ها که بخشی از آن توسط همیمن

اخبار و مسائل جهانی



چین، بازگشت سرمایه داری

ما با رها گشته ایم رویزیونیسم در قدرت یعنی بورژوازی در قدرت، بمعنای دیگر حاکمیت خط مشی رویزیونیستی بردستگاه حزبی و دولتی بیان حاکمیت بورژوازی نوین و ناپودی دیکتاتور پرولتاریا می باشد. در شوروی غلبه تمام عیار رویزیونیسم - خروشگی - بر زنی منجر به استقرا و سرمایه داری گردید. و در چین نیز حاکمیت رویزیونیسم تنگ - هوا معنا ی دیگری جز با زگشت سرمایه داری نمیتوانست داشته باشد. برخلاف تبلیغات ارتجاعی بورژوازی با زگشت سرمایه داری در یکسری از کشورهای سابقا سوسیالیستی نتیجه ما رکسیسم - لنینیسم نیست، بلکه دقیقا با زگشت سرمایه داری در این کشورها نتیجه انحراف از ما رکسیسم لنینیسم می باشد. رویزیونیسم که بمعنای ارتداد از ما رکسیسم است یک خط مشی بورژوازی بوده که در صورت حاکمیت خود کشور را به راه سرمایه داری میکشاند. و با زیرخلاف تبلیغات ارتجاعی و امپریالیستی انحراف کشور سوسیالیستی از جاده سوسیالیسم بهیچوجه یک امر محتوم نمی باشد همان دلیل که پیروزی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در یکسری از کشورها به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل گشت. سیرتکاملی مبارزه طبقاتی پرولتاریا، بررسی و کشف علل ناگامی های مقطعی و تکامل خلق ما رکسیسم لنینیسم آن امکان را فراهم خواهد ساخت تا ناگامی های کنونی از بین رفته و ما را شظرف نمودن کمونیسم مستحکمتر بجلوراهنگاید.

همانطور که ما قبلا بیان کردیم (۱) بقدرت رسیدن جناح رویزیونیستی تنگ - هوا در چین و حاکمیت رویزیونیسم بردستگاه حزبی و دولتی این کشور حملات و تعرضات ضد انقلابی رویزیونیستی بر تمام دستاوردهای ساختن سوسیالیسم در این کشور اوج گرفت. رویزیونیستهای مرتددرتمازمینه های اقتصادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک بیرعت به پیاده کردن سیاستهای ارتجاعی و بورژوازی خود کوشیدند. آنان اگرچه بطور آشکار علیه احکام اساسی ما رکسیسم لنینیسم موضع نگرفتند، ولی در جوهر سیاست خود و در کردار خود مضمنا می آید که ما رکسیستی لنینیستی را مورد تجدیدنظر قرار دادند.

رویزیونیستهای چینی برای توجیه خیانتهای خود در بازگشت هر چه سریعتر سرمایه داری و پیشبرد یک

(۱) - به بینک ۲۹، مورخه ایهمن ۵۸، مقاله: "چین: سرکوب و سرمایه رجوع شود."

سیاست ضد انقلابی در عرصه جهانی به انقلاب فرهنگی و دستاوردهای آن حمله کرده و حقا نیت مبارزه ضد رویزیونیستی حزب کمونیست چین علیه خروشگیزم را انکار نمودند و مضمنا اساسی و ما رکسیستی این مبارزه را مورد تخطئه قرار دادند. میدانیسم مبارزه ای که

بعدها زمالهای ۶۰ توسط احزاب کمونیست چین و آلبانی علیه رویزیونیستهای خروشگی صورت گرفت نقض ارزنده ای در زنده نگه داشتن ما رکسیسم لنینیسم در عرصه بین المللی و بر ملا کردن چهره کریم رویزیونیسم شوروی ایفا نمود. ولی امروز رویزیونیستهای چینی که تا کزیریندهمان راهی را طی کنند که خروشگی و پرولتاریا نمودند، میکوشند تا دستاوردهای این مبارزه را محو کنند و محمل های شوریک - ایدئولوژیک لازم جهت بازگشت سرمایه داری در چین را به وجود آورند. بعنوان نمونه روزنامه خلق مورخه ۲ آوریل ۱۹۸۰، مطرح میسازد که: مبارزه علیه رویزیونیسم در این دوران بنوع علمی پیش نرفت. امری چیروا نه بود ولی بنا شوجی حق داشت. این روزنامه اضافه میکند که این مبارزه در مناسبات داخلی و خارجی چین تا سیر بدو منافی گذاشت و از جمله مناسبات دو حزب چین و یوگسلاوی را ملنا اعلام کرد.

ما در اینجا میکوشیم تا نشان دهیم که منظر رویزیونیستها از تا سیر بدو مناسبات داخلی و خارجی همان رشد سوسیالیسم توسعه مبارزه طبقاتی و دسترس بدستاوردهای انقلابی جدید است. رویزیونیستها از سوسیالیسم نفرت دارند و روشن است هر چه رویزیونیستی هرگاه مدرراه منافع پرولتاریا از نظر آنان "بد" و "منفی" تلقی خواهد شد. بدین لحاظ رویزیونیستها مخالف سرخست "مناسبات داخلی و خارجی" بر اساس منافع پرولتاریا می باشند و میبایست بقدرت رسیدن میکوشند تا مضمون انقلابی این مناسبات را تغییر داده و آنها را تابع سیاست

رویزیونیستی و منافع بورژوازی خود بگردانند. در این نوشته میکوشیم تا بطور مختصر جنبه های از تغییرات در مناسبات داخلی و خارجی تحت حاکمیت رویزیونیستها را توضیح دهیم و نشان دهیم که اگر مبارزه ضد رویزیونیستی سالهای ۶۰ مورد نفی رویزیونیستی قرار میگردد دقیقا بخاطر آن توجیه تئوریک می باشد که در جهت خالی کردن مناسبات داخلی و خارجی از مضمون پرولتری و انقلابی قرار دارد. آنان مبارزه ضد رویزیونیستی را نفی میکنند، چون رهروان ارتداد رویزیونیستی و سرمایه داری می باشند.

سیاست داخلی

تعمیم مناسبات بورژوازی

در ابتدا بیینیم پس از کسب قدرت کامل توسط رویزیونیستها "مناسبات داخلی" در چین مشمول کدام تحولات و دگرگونیها گردید؟ رویزیونیستها در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی بسرعت به تعمیم

- در یک جامعه سوسیالیستی رشد سوسیالیستی نیروهای تولیدی با انکابه مشی پرولتری حزب طبقه کارگر و دیکتاتور پرولتاریا میسر است، این رشد با انکا به مبارزه طبقاتی و انقلاب مداوم تحت دیکتاتور پرولتاریا امکان پذیر است.
- از دیدگاه مشی رویزیونیستی و انقیاد طلبانه تنگ سیاستی مهم این نیست که طبقه کارگر و خلقهای چین تحت ستم قرار گیرند و استثمار شوند، مهم اینست که سرمایه داری به قیمت سرکوب پرولتاریا و سایر توده هارشد و توسعه یابد.
- امر آزادی خلقها و طبقه کارگر به دست خود آنان میسر است، حال آنکه رویزیونیستهای چینی این آزادی را با انکا به امپریالیستها و هم پیمانان امپریالیستی آنان قابل حصول میدانند.

ایده ها و سیاستهای کمونیستی برداخته و تفاد دینبار زیادی از حاکمیت مشی پرولتری را از دستگاه حزبی و دولتی اخراج کردند. بنحوی که بلافاصله چندنا هین از مرگ رفیق ما توه ۲۰٪ از کمینه مرکزی حزب کمونیست چین را مورد تصفیه تشکیلاتی قرار دادند. آنان بدین ترتیب کوشیدند تا موقعیت خود را در دستگاه دولتی مستحکم ساخته و این دستگاه را بطور کامل در خدمت منافع طبقاتی خود قرار دهند.

رویزیونیستها در زمینه اقتصاد نیز به نتایج برداختند. آنان کوشیدند تا بطور متمرکز معیارهای بورژوازی و فوالت سرمایه داری را در اقتصاد کشور پیاده نمایند. آنان "تکیزه مادی" را که یک بدیده بورژوازی است بنحویکه اصل سوسیالیستی ارتقاء داده و برخلاف گذشته بنسبت و کنترس آن برداختند و سعی کردند تا با سرعت اقتصاد دکانی را رنداده و حیطة عملکرد فائز را کسترش دهند. آنان با تمام کوشیدند (میکوشند) تا اقتصاد را برنا به نام مصلح ساخته و آنرا با معانی با زار نمایند. میدانیسم اقتصاد سوسیالیستی با برنا به جهت پاسخگوئی به نیازهای همه جانبه طبقه کارگر و سایر نیروها حرکت میکند حال آنکه سیاست اقتصادی مبتنی بر بازار در جهت کسب سود و منفعت هر چه بیشتر می باشد. نمونه زیر، نمونه کوچک و در عین حال بازتاب افدات وسیع رویزیونیستها در جهت بسط مناسبات بورژوازی و بازگشت سرمایه داری می باشد: "بر طبق یک خبر، کارخانه ای واقع در بخش HUBI (هوئی) بدلیل خوب

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

بررسی سرفتن تولیداتش در بازار، در حال تعطیلی بود. این کارخانه اقدام به یک آگهی تبلیغاتی وسیع کرد. نتیجه، این تبلیغات تجاری بود. بسیاری وسیعی را دادند. تولیدات این کارخانه با هدف یک دادگی سریع فروش رفت. بنا بر این یک تبلیغ تجاری می تواند یک کارخانه را از بستن شدن نجات دهد. گذاشتن تبلیغات تجاری در روزنامه ها و در راه دیویرنا می های تلویزیونی، فرستادن هیاتهای به خارج از کارخانه برای بررسی (تقاضا) در بازارها، برقرار کردن خرده فروشی ها جهت فروش آنچه که تولید شده و یا برپا نمودن نمايشگاهها از تولیدات مختلف، هم اکنون یک راه عمومی برای بالا بردن فروش تولیدات کارخانه است. بشمار می آید. (هفته نامه پکن - ۱۵ مارس ۱۹۸۵ - تاکیدا زم است) نمونه فوق نشان میدهد چگونه رویزیونیستهای چینی در جهت اقتصاد مبتنی بر بازار می کوشند. در یک جامعه سوسیالیستی از آنجا که معیار اقتصاد باسختی گویی به نیازهای اقتصاد - فرهنگی پرولتاریا و بیروندهای زحمتکش می باشد، چه بسا کارخانه ای سودآور نباشد. دولتی بلحاظ احتیاجات توده ها با یکدیگر در دولت دیکتاتور پرولتاریا مجموعه امکانات را فراهم می آورد تا شاخه های تولیدی که در جهت نیاز طبقه کارگر است پیوسته شکوفان باقی بمانند. ولسی رویزیونیستها که متکی به مشی اقتصاد بورژوازی میباشند به "سود حداکثر" می اندیشند و می کوشند تا با توسل به شرکده های تبلیغاتی بورژوازی محصولات یک کارخانه را در بازار بکشند. آنان بسبب همسود بورژوازی ها در پی آتند تا به ضرب تبلیغات تجاری دنیا زهای کاذب بیا فریبند. حال آنکه سوسیالیسم بر پایه سیاست پرولتری و برنا م مرکزی دولتی، با توجه به نیازهای واقعی و عینی طبقه توده ها به تولید دست زده و رشد همگون اقتصاد کارخانه را هم میسازد. بورژوازی نواخته چین که دیکتاتور پرولتاریا را تخریب نموده است در پی آن است تا به سرعت دیکتاتور پرولتاریا را خود را تحکیم نماید. رویزیونیستهای چینی محبت از اجرای برنا مدهاله ۱۹۸۱ - جهت تبدیل چین به یک کشور "بزرگ و قدرتمند" می کنند. منظور آنان از این برنا م چیست؟ این برنا م که هدفی جز تحکیم مناسبات سرمایه داری و فراهم آوردن ظرفیت اقتصادی امپریالیستی هدف دیکتاتور ندارد، متکی بر برنا م "مدرنیزاسیون" می باشد. این طرح دربرگیرنده فرمایشی می باشد "سازندگیهای خروجی در شوروی" که در جهت تحکیم بورژوازی نوین حاکم عمل خواهد کرد. این فرمایشی بزرگ در راه گسترش و بسط مناسبات سرمایه داری در داخل یک کمک خرید تکنولوژی خارجی، تجارت گسترده با کشورهای امپریالیستی، پذیرفتن سرمایه گذاری خارجی در چین و گرفتن وامها اعتبارات از کشورهای سرمایه داری، عمل خواهد کرد.

طبق این قانون سود ناشی از سرمایه گذاریها بین سرمایه داران خارجی و چینی ها به تناسب سرمایه اشان تقسیم میشود. این قانون اجازه می دهد تا سرمایه گذاران خارجی حق خارج کردن سود از چین را داشته باشند. رویزیونیستهای خائن آنچنان امکانی برای رشد سرمایه خارجی فراهم آورده اند که بر اساس همین قانون فوق الذکر تسهیلاتی بسیاری از نقطه نظر مالیاتی برای سرمایه خارجی بوجود آورده است. بنحوی که در صورت بکار انداختن سود حاصله از سرمایه گذاریها

- در بروز وظیفه انترناسیونالیستی کونیستها بود که با طرح انتقادات پرولتری خود نسبت به انحرافات گاه عمیق رهبری چین از کشور سوسیالیستی و حزب کونیست چین دفاع میکردند. ولی امروز وظیفه انترناسیونالیستی کونیستهای جهان عبارت از مبارزه پیگیر علیه رهبری مرتد حاکم برجین رویزیونیسم سه جهانی میباشد.
- رویزیونیستهای شوروی و نوکران دنباله روان آنان هرگز نمیتوانند به ماهیت رویزیونیستی مشی حاکم برجین حمله نمایند، زیرا آنان خود در حصار همان ماهیت بورژوازی قرار دارند. آنان هرگز نمی توانند مضمون رویزیونیستی اقتصاد و سیاست، آیدنولوژی و فرهنگ منحط رویزیونیستهای چینی را آشکار کنند، زیرا خود نامز استخوان به رویزیونیسم آلوده میباشند.
- مبارزه ضد رویزیونیستی را فقط مارکسیست - لنینیستهای راستین می توانند به پیش برند.

در پیرو س تولیدی، مالیات کم گشته و با تمام پولی که باقی بماند باقی مانده پرداخت شده بر گرداننده میشود. این بنگاهها طبق قانون اجازه دارند تا مستقلانه با نگاهی خارجی وارد مداخله شده و حتی اعتبار، مواد و وسایل مورد نیاز خود را مستقلانه از بازارهای بین المللی تامین نمایند. (۲) علاوه بر رویزیونیستها مطرح شده اند: "دولت چین دارای های متعلق به سرمایه گذاران خارجی در چین را اما در نخواهد کرد" و "سودهای قانونی برای سرمایه داران تضمین خواهد شد." (هفته نامه پکن ۲۱ آوریل ۱۹۸۵) رویزیونیستهای کوشندگان نامی امکانات و تضمینات را جهت توسعه سرمایه داری در چین و جهت فارتگری امپریالیستها فراهم نمائند. در یک کشور سوسیالیستی بویژه پس از انقلاب پیش روی در راه ساختمان سوسیالیسم و کسب دستاوردهای فراوان اجازه دادن به نفوذ و غارتگری سرمایه های امپریالیستی جز خیانتهی آشکار و عریان چیز دیگری نمی باشد. ساختمان سوسیالیسم در شوروی در زمان اسلین، در چین در زمان ماو و در آلبانی بدون هیچگونه سرمایه گذاری خارجی، و اموا اعتبار را امپریالیستی صورت گرفت.

به سلامتی جهان دوم



همانطور که میدانیم چندی پیش "قانون سرمایه گذاری کشورهای خارجی" توسط دولت چین به تصویب رسید (۲) بر اساس این قانون ارتجاعی موسسات و کارخانجات مختلف با سرمایه های چینی و خارجی می توانند بوجود آیند. سرمایه گذاری خارجی در این بنگاهها نباید از ۲۵٪ کل سرمایه گذاری کمتر باشد.

(۲) - بخشی از این قانون در مقاله "چین، سرکوب و سرمایه" در پیکار ۳۹ مورخه ۱ بهمن ۵۸ منتشر شده است.

پیکار

شماره

با تدبیر را سرمایه‌داری، مسئله مهم نیست که اقتصاد رشد کند حال که این رشد بر پایه سرمایه‌داری و امپریالیسم میسر است چه بهتر!

از دیدگاه مبنی رویزیونیستی و انقیاد طلبانه تنگ‌سای ژوبینگ مهم این نیست که طبقه کارگر و خلقهای چین تحت ستم قرار گیرند و استعمار شوند، مهم اینست که سرمایه‌داری بقیامت سرکوب پرولتاریا و سایرین بماند و نتواند توسعه یابد. رویزیونیست‌ها می‌نویسند: "مانسلیلات و امکانات مناسبی برای سرمایه‌گذاری خارج را چینی فراهم می‌نمایند تا این سرمایه‌گذاری‌ها بتوانند پایه‌های ما شوند." (هفته‌نامه یکن - ۳ مارس ۱۹۸۰)

ولی این تمهیدات به حد فتمینی ممکن خواهد بود؟ آنها جواب میدهند: "شرکت مختلط حق استخدام و اجراج کارگران بومیانی را اجتناب‌ناپذیر است (که مستوانتد چینی با تدوین خارجی - بیکار) را خواهد داد است کسانیکه بطور جدی دینسیلین کار را از زمین بریند مورد تنبیه قرار خواهد گرفت." (هفته‌نامه یکن - ۲۱ آوریل ۱۹۸۰) (تا کنین زمانست)

می‌بینیم که چگونه سرمایه‌داری سرکوب طبقه کارگر را کم می‌نماید. می‌بینیم که چگونه با اجار دادن و ردن دینسیلین و حشیا نه سرمایه‌داری رویزیونیستی‌ها را خراب‌کنار می‌کوشند تا "رشد اقتصاد را" تا مین نمایند، رندی که بکلی فاقد اهمیت سوسالیستی بوده و در این خدمت منافع بورژوازی حاکم و نیز سرمایه‌بین المللی قرار دارد.

امپریالیستی‌ها چنان‌خواه راجع به بازاریگری چین دوخته بودند و رویزیونیستی‌ها زمینه‌فارتگری آنان را قرار هم نموده‌اند. در حال حاضر قراردادها و اسارت‌بار متعددی بین چین و شرکتهای امپریالیستی منعقد شده و آنان می‌کوشند تا از طریق فارت و استعمار پرولتاریا و خلقهای چین به منافع سرناری دست پیدا کنند. بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۹ در شهر صنعتی شانگهای بیش از ۴۰۰ بازرگان و سرمایه‌داری خارجی وارد شده و حدود ۶۰۰ قرارداد اقتصادی در زمینه‌های مختلف تولیدی و غیرتولیدی منعقد کرده‌اند. (هفته‌نامه یکن - ۳ مارس ۱۹۸۰). علاوه بر این با فاکر کرده: "تا بحال رویزیونیستی‌ها چینی قرارداددهای متعددی امضا کرده‌اند، تجاری و اعتباری که به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار می‌رسد سرمایه‌داری امپریالیستی منعقد نموده‌اند." (آلسانی امروز - ۱۹۷۹ (۳۸) ۱۹۷۹) بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که فدا انقلابیون جاکم برجین چگونه "مناسبات داخلی را" "تصحیح" کرده و آنرا برای سرمایه‌داری میکشاند. مجموعه واقعیات فوق نشان میدهد که تغییرات بورژوازی و فدا انقلابی در زوینای جاکم سوسالیستی سرعت برزیرناتانیر گذاشته و ما هیت این زیربنای اتایی از ما هیت خود می‌سازد. حال بیرواضح است که تحولات بورژوازی در درون جاکم چین نمیتوانست در عرصه سیاست بیسن - المللی انعکاس خود را بیانی نگذارد. نگاه‌های به این سیاست در عرصه‌های اتیوا فعیات را آنکار میسازد.

تئوری "سه جهان":

استراتژی جهانی بورژوازی نواخته

رویزیونیستی‌ها چینی پس از قبضه کردن قدرت سیاسی بر اساس تئوری رویزیونیستی و ارتجاعی "سه جهان" یک سیاست استراتژیک سرای فدا انقلابی را در عرصه بین المللی بکار گرفته‌اند. در حقیقت

این تئوری رویزیونیستی بیان اهداف و نیازهای ارتجاعی بورژوازی نواخته چین در عرصه‌های ملی بود. در واقع بر اساس این تئوری بورژوازی نواخته چین می‌کوشد تا از طریق ساری با ارتجاع کشورهای تحت سلطه و امپریالیستی‌ها زاپنی و اروپائی و نیز آمریکا بی‌طرفی با جریف اصلی خود یعنی سوسال امپریالیسم شوروی پیدا رود. این تئوری که بر پایه نفی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و انقلاب اجتماعی استوار است می‌کوشد تا متحدانی از میان رژیمهای سراسری ارتجاعی و امپریالیستی برای بورژوازی چین فراهم نماید و این طبقه را در راه اهداف و نیایلات نواخته - طلبانه خود یاری کند. با فدا انقلابی تنگ - هسوا بر این فتنه کردن فدرت "مناسبات بسیار دوسانه‌ای" تا تئوری خائن و حزب رویزیونیست یوگسلاوی برقرار ننماید و چنین اعلام می‌کند که "تئوری مرند" رهبری ما رکیست لیونیست است این با فدا روابط اقتصادی تجاری، سیاسی و فرهنگی بین رایالیایی سوسالیستی قطع نمکند و بدینال آن مناسبات کسنددهای با رژیمهای ارتجاعی و سرسیرده‌گورهای تحت سلطه سراسری و درکنار آن به بسط مناسبات همه‌جانبه بین چین و کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری مانند ژاپن، آلمان غربی آمریکا و... فعالانه می‌کوشد.

رویزیونیستی‌ها خائن چین در جهت "عادی کردن روابط چین و آمریکا سرعت بیش رفتند. آنها در ساری خود با امپریالیستی‌ها مقام ویژه‌ای امپریالیسم آمریکا بخشیده و بطور کسنددهای به حمایت فعال از سیاستها و فاندات امپریالیستی آن بلند شدند. رویزیونیستی‌ها جاکم برجین نجا و زکارانه "ناو" را مورد حمایت قرار دادند. بر واضح است که در بیان تجا و زوری "ناو" و "ورسو" بر علیه خلقها و انقلاب آنان قرار دارد و با تباری در خدمت اهداف دولوک تجا و زکارانه و امپریالیستی می‌باشد. بدین لحاظ کمونیستها، طبقه کارگر و خلقهای چین به تنهایی هیچوجه نمی‌توانند و بیاید از این دو بیمن نظامی فارتگریانه حمایت کنند. بلکه بویژه علیه ما بودی آنها و همه امپریالیستی‌ها مبارزه کرده و خواهند کرد. ولی رویزیونیستی‌ها مرتد چین بر پایه سیاست فدا انقلابی ساری طبقاتی و ساری با امپریالیستی‌ها خلقها را به حمایت از یک بلوک امپریالیستی و با برانظما می‌آوردند. اما آزادی خلقها و طبقه کارگر بدست خود آنان میسر است. حال آنکه رویزیونیستی‌ها چینی این آزادی را با آنکا به امپریالیستی‌ها و هم‌بیمنان امپریالیستی آنان، قابل حصول میدانند.

اخیرا رویزیونیستی‌ها "سه جهان" در راه اهداف ارتجاعی خود کوششهای وسیعی در جهت نزدیکی با امپریالیسم آمریکا بکار می‌برند. پس از ملاقات تنگ - سایشیونینگ از آمریکا، اخیرا بین کارشروها کوفنگ نیز ملاقاتی روی داد. این ملاقات در جهت تنظیم سیاست بین المللی دو کشور و گسترش مناسبات ارتجاعی بین چین و آمریکا صورت گرفت. بدینحال همین ملاقات است که روزنامه‌ها اعلام کرده‌اند: "در آینده نزدیک با دیدار دوتن از بلندیگان وزارت دفاع آمریکا از چین روابط نظامی یکن و واسنگتن بیش از پیش گسترش خواهد یافت. در این دیدار لیست سلاحهای که قرار است چین از آمریکا خریداری کند تهیه خواهد شد... کار ترتیمیم گرفته است ارتش چین را با هلیکوپترهای جدید و کامپیوترهای تکامل یافته برای دستگامهای را در امچر کند." (اطلاعات ۲۶ تیر ۱۳۵۹)

رویزیونیستی‌ها این امکان را بوجود می‌آورند تا سرمایه‌های خارجی در چین بکار افتاده و کالاهای امپریالیستی بفروش روند و در مقابل امپریالیستی‌ها با تکی بر منافع می‌نویسند تا ارتش چین را تقویت نمایند. در چهار رجب همین سیاست است که ساری شیل مهبونیست نیز در بی فروختن تجهیزات و تسلیحات جنگی به چین برمی‌آید. بنحویکه در هفته گذشته برای همین مسئله وزیر دفاع و دارائی ساری شیل رفتند و احتمالاً برای خرید این تسلیحات، ساری شیل به چین اعتبار خواهد داد. (انقلاب اسلامی ۲۴ تیر ۵۹) می‌بینیم که رویزیونیستی‌ها به عمق چه مرداسی در غلبه‌ده‌اند. آنان در روابط بین المللی خود ارتجاعی ترین مناسبات را برقرار کرده و می‌کوشند تا از یکسوجهت مقابله با سوسال امپریالیسم شوروی و گرفتن سهمی از فارت‌جهانی و از سوی دیگر ساری توطئه‌چینی علیه خلقها و انقلابات، سیاست متخذه‌های را با امپریالیستی‌ها "جهان دوم" و بخشی از امپریالیستی‌ها "جهان اول" و رژیمهای ارتجاعی دیگر به پیش بزنند. در اینجا سیاست کما متوجه "مناسبات خارجی" بهبودیافته توسط رویزیونیستی‌ها می‌شویم و در میان اینها که رابطه تنگ‌سای بین "مناسبات داخلی" چین یعنی جاکمیت بورژوازی و با زکشت سرمایه‌داری و "مناسبات خارجی" آن یعنی با اجار دادن تئوری رویزیونیستی سچیان وجود دارد. در حقیقت "مناسبات خارجی" چین انعکاس دبا لکشیک "مناسبات داخلی" این کشور می‌باشد.



روشن است که رویفاده و تحولات سالهای اخیر در چین محتاج بررسی عمیقی می‌باشد. آنچه‌ما در بالا کفتم فقط جنبه کوچکی از مجموعه مسائل مربوط به چین بود. آنچه‌ما اینجا با بد ذکر کرده‌ایست که اگر چه بنظر ما انحرافات مختلفی در زمینه‌های سیاست داخلی و خارجی در زمان رفیق ما وجود داشت که این امر خود منسازم تحلیل ما رکیستی عمیقی می‌باشد، لیکن نکته اساسی اینجاست که چین رویزیونیستی امروز با چین سوسالیستی دیروز یکلی و ما هیت متفاوت می‌باشد. این تفاوت‌ها و انحرافات چین ما ثونانی ما هیت سوسالیستی این کشور نمی‌توانست باشد. حال آنکه امروز مسئله اساسی تغییر ما هیت بورژوازی قدرت سیاسی در چین می‌باشد. دیروز طبقه نترنات سوسالیستی کمونیستها بود که ما طرح این تفاوت‌ها و تفاوتی خود نسبت به انحرافات گاه عمیق رهبری چین ارتکشور سوسالیستی و حزب کمونیست چین دفاع می‌کردند، ولی امروز طبقه نترنات سوسالیستی کمونیستی‌ها چنان عبارت از مبارزه بی‌گیر علیه رهبری مرتد جاکم برجین و رویزیونیسم سه‌جهانی می‌باشد. بنابراین مانند "راه‌کارگر" و "نیروهای متزلزل در مقابل رویزیونیسم، مرزا را مخدوش نمود (۴). چین دیروز و چین امروزیکی نیست، همانطور که شوروی سوسالیستی لنین و استالین و شوروی سوسال امپریالیستی برزنف بهیچوجه یکی نمی‌باشد. علاوه بر همین جاباید مرز بندی قاطعی با رویزیونیستی‌ها طرفدار سوسالیسم امپریالیسم شوروی نمود.

بقیه در صفحه ۱۵

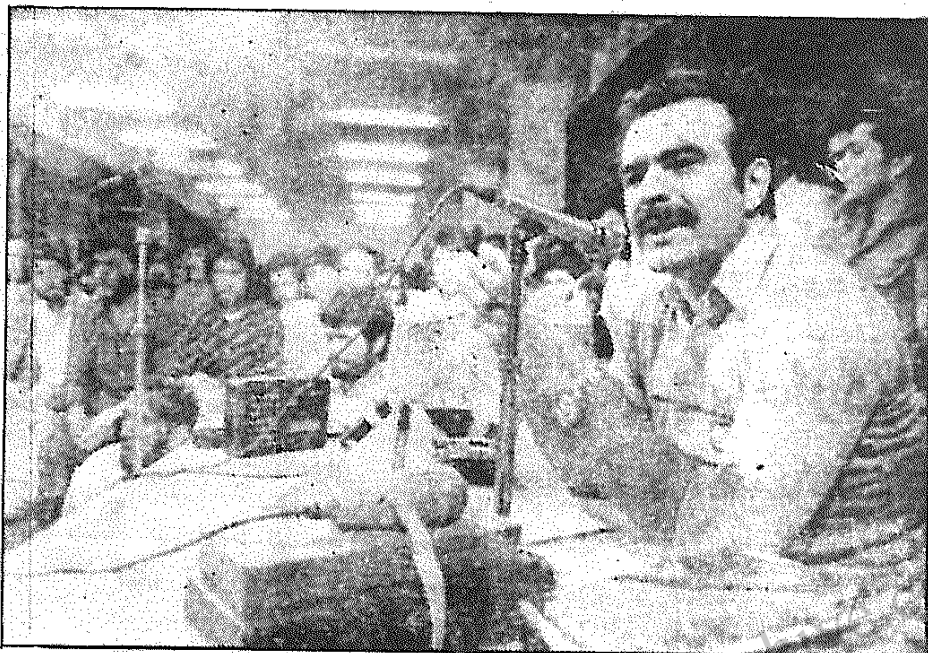
(۴) - رجوع شونده نوشته رویزیونیستی "راه‌کارگر" تحت عنوان "در برابر رویزیونیسم و تز سوسالیسم امپریالیسم". این نوشته چین امروز کارکشور سوسالیستی به حساب می‌آورد.

بقیه از صفحه ۱

پیرامون ...

"دولت موقت" ارگان سازش با ارتجاع محمدرفا شاهی و میریالیسم آمریکا میباشند و نه ارگان قیام و یکنه این دولت، دولت سرمایه داران و فدا انقلابیون است که بیاری رهبری خواهان با سازی نظام منقطع استثنای رگ سرمایه داری وابسته است، همان نظام میکه توده های ستمدیده خلق دهها هزار شهید دادند تا آنرا از بنیخ وین نابود سازند و ۱۰۰۰ مازمان با تهاجمات، افتراات و تهمت های بی شمار از طرف قدرت حاکم روبرو شدند. درقبال افشگری های کمونیست ها نسبت به ما هیت دولت موقت آیت الله خمینی با حمله به نیروهای کمونیستی و منسوب کردن آنها به اجانب، دستور تقویت دولت را میداد و طاعت از آنرا واجب میکرد، و کلیه کسانی که دولت را افشا میکردند بعنوان تضعیف کنندگان دولت، خدا نقلاب میخواستند و دستور کشتن آنها و به حبس کشیدنشان را صادر میکرد. اکنون پس از گذشت یکسال و اندی از قیام و بعد از جنا بیثباتی و خرابی های جبران ناپذیر رژیم جمهوری اسلامی نسبت به توده ها، آیت الله خمینی "انتقاد از خود" میکند و میگوید "ما خطا کردیم" و دولتی که ما انتخاب کردیم دولت انقلابی نبود و اینکه "ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم" و بلافاصله عملکرد رژیم جمهوری اسلامی را با ذکر اینکه "ما تجربه ندانستیم" توجیه میکند. اما ما و کلیه کمونیست ها و انقلابیون و نیروهای آگاه خلق بیچوجه با این "انتقاد از خود" توجیه نمیشویم و میگوئیم که ما هیت واقعی "استفشار" و انتقاد از خود آیت الله خمینی را برای کارگران و زحمتکشان توضیح دهیم، ما هیت این اعتراف به "خطا" چیست و ایسین "انتقاد" چه چیزی را در پشت ظاهر عوام فریبش بیان میکند؟ انتقاد ما این باصلاح "انتقاد از خود" یا بهر بیگوئیم سخنان آیت الله خمینی در ۲۹ خرداد ۵۹ در برابر شورای عالی قضائی دربردارنده دو مسئله بسیار مهم و شایان توجه است.

تقی شهرام: نراژدی یا حماسه؟



تقی شهرام به تاریخ پیوست و ما وقت که دربارش به دوری می نشیند و شهرام را بمناسبت راهای تابستانک از شهر ما نیز برتارک خویش می نشاند، شهرام یک قهرمان است با همه بیرونیها و بیخ و تالیهای که در کورسوران مبارزه طبقاتی بریک روشنفکر انقلابی ورزیده و بگیرمکن است بگذرد. شهرام جوهری با ک انقلابی خود را انجام درخشانتر از هر زمان دیگرش را داد و خود را در قلب کارگران و زحمتکشان میهن ما جاودا نهاد.

تقی شهرام کیست؟

او منما به روشنفکری انقلابی در جامعه ای که افغان و خیزان میگرد و خود را از زیر آوار قرنیه ستم طبقاتی و ملی و دیکتاتوری و حشناک بیرون کشید با عرصه مبارزه ای سرنوشت سازی گذارد. جنبش جوان است، کم تجربه است و با های تردش دشواریهای راه را تیار زوده است و علاوه بر این با عظیم تحولات و خیانتهای گذشته حزب و رهبران سیاسی بردوش سنگینی میکند، دیکتاتوری دیربای سلطنتی با پشتوانه سلطه امیرالیسم جهانی راه را برتایش نوربیرجوانهای تازه بسته است و "هوا بس نا جوان مردانه سرد است"، از هر سو جوبه های دار آویخته است و بر سنگفرش خون های لخته دیده میشود. افق پیروزی زحمتکشان تاریکی می نماید و پیروزی چون شعله ای کم نور در دور دست فقط کورسومیزند. مبارزات زحمتکشان اینجا و آنجا سر بر می آورد ولی با خوشنوی سیمان سرکوب میگردد. جامعه آستان مبارزه طبقاتی سرنوشت سازی است. نیمه دوم سالهای ۴۰ است و از همه جا آبه های یاس و زوزه های تسلیم بیگوش منبرد و شهرام بعنوان یک روشنفکر انقلابی با ثامه تیز و انقلابی خود، آینه تاسناک پیروزی زحمتکشان را با چشم باز و دل آگاه خویش درک میکند، اما مثال او هر چند کم نیستند، اما هنوز بیک جزبان نیرومند تبدیل نگشته اند. جویباری هستند که در زلال خویش چشمه سوی دریای مبارزات توده ها دارند و سنگلاخها را در می نوردند. شهرام در سال ۴۸ رسماً به مجاهدین خلق می پیوندد و جوانه های انقلابی اندیشه و عمل او در فضای آماده این سازمان انقلابی جان تازه می گیرد و می شکند. کار ما پیدا و و هر زمان اش عشق به خلق است و کینه به دشمنان خلق و او آماده میشود که در کوره تافتن مبارزه بی امان با رژیم شاه را با این آمریکا شیش همچون "فولاد آبدیده شود".

بیورش ارتجاع آریا مری در اول شهریور ۵۹، او و بسیاری دیگر از باران را به زندان می افکیند و با زدرسی دیگر و صحنه ای نوین از آزمایشهای سخت فرا میرسد. اقتادین درسیا هال زندان و زیر شکنجه جلادان ساواک قرار گرفتن، شهرام را از بیخودن مسیر نمی تواند یاد آرد. او در بیادگاه شاه از زمان زحمتکشان خلق دفاع میکند و در همان سال ۵۰ با بیش از شیز خود به جمع بندی تجارب می نشیند و مقاله "خرده پیروزی" را به رشته تحریر درمی آورد و این اولین تلاش جدی درون تشکیلاتی برای درک قانونمندی طبقاتی مبارزه را بنا میخورد و نسبت به فکر آتقدربا زندانیان می ستیزد و باران را علیه ستموناریکی حاکم شوق به آموزش میکند که بعنوان یک عنصر غیر قابل تحمل از طرف ما موران رژیم زندان را علیه ستموناریکی حاکم شوق به آموزش میکند که بعنوان یک عنصر فرار می اقداماها با هم رزم دیگرش رفیق شهید حسین عزیزی به جاره جوشی می برد از دوران مهاد و با کمک افسر انقلابی زندان رفیق حسین احمدیان بسوی نورنقبت میزند و در ۱۵ اردیبهشت ۵۲ طرح فرار جوسرانها و بتکاری خود را با موفقیت به مرحله اجرا درمی آورد و ما موران ساواک و کامیونترهای پلیس سیاسی با راه را گنج و انگشت بدندان نگه میدارد و دوباره در آغوش سازمان در خارج زندان جای میگیرد.

این سخنان در درجه اول وقیل از هر چیز نشان دهنده ضعف، زبونی و استیمال رژیم جمهوری اسلامی در برخورد به مسائل و مشکلاتی است که در مقابل آنها زانوی عجز بزمین زده است. بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی وحدت مبارزه طبقاتی، اعتلا مبارزات توده های زحمتکش خلق، شکست پی در پی رژیم در زمینه های مختلف و... دست بدست هم داده و رژیم سلاهی را مضطرب ناتوان ساخته است. رژیم که از زمان بدو تولدش تمام هم خود را مصروف با سازی سیستم سرمایه داری وابسته نموده و در این راه انقلابیون، کارگران، دهقانان، ملیت ها و کلیه نیروهای مترقی با سمیت و وحشیگری خاصی مورد حمله و تهاجم قرار داده است و بموازات آن سرمایه داران و فدا انقلابیون رژیم شاه را امان داده، غور کرده و حمایت نموده است و بخیال خود تهاجمی استقرار خود را (یعنی مجلس، رئیس جمهوری و...) یکی پس از دیگری برپا داشته است، امروز می بیند که نتوانسته است به آن تشبیه مورد دلخواه دست یابد. از سوئی دیگر نیوهای مافوق ارتجاعی و وابسته به امیرالیسم آمریکا که اکنون تحت لوای بختیاریان گرد آمده اند و خواهان اعاده وضع سیاسی زمان شاه جلاد و فعال با بیثباتی امیرالیسم جنتا ر آمریکا هستند و از بیای بی ثبات ارتجاعی و ضد خلقی بیبه مقابله با توده های خلق برخاسته اند. از سوئی دیگر نیروی لایزال و توفنده توده های عظیمی از خلق است که بیعت دست نیافتن به خواسته های اولیه و محقانه اشان

ویدکمل شورویوختن شوهمان نسبت به رژیم ویی بودن به ما هیت آن در حال حاضریمنا به نیروی غیرقائسل مهاری درتقابل با رژیم جمهوری اسلامی قرارگرفته است. درسخنان آیت الله خمینی به هردوی این نیروها برخورد شده از طرفی به عقووا بستگان و چنانست کاران رژیم شاههاشن ، "انتقاد" شده (مسلله) بکسه بارها و بارها مورد افشاکری کمونیستها و انقلابیون واقع گردید) و از طرف دیگر به عنوان صدمه رژیم شده "است و از... و از طرف دیگر به عنوان صدمه (یعنی همچون بهشتی) توصیه گردیده که راه گذشته (یعنی با زبانی نظام سرما به داری و بسته و طبعاً سرکوب توده ها) باشد و "قاطعیت" ادا میاید. "بطور قدرت عمل بشود، بطور قاطعیت عمل بشود" و تمام گروهها خفه بشوند و هر اعتراضی بحدت سرکوب گردد زیرا که دیگر ایشان "نمی توانند تحمل کنند که هرکس هرچوری دلش میخواهد (یعنی غیر از آنچه که او میخواهد) عمل کند!" اما

بهمین دلیل هم بیشتر عدم "قاطعیت" در کردستان و... مورد انتقاد قرار میگردد تا مستقله عقووا راکی ها.

آنچه که در اینجا بطور خلاصه ملاحظه میاید و بدون چون و چرایی مسلم است اینست که تیزی تیغ حمله و فشا راضی تهاجم متوجه نیروهای انقلابی و توده های خلق است و نه ضد انقلابیون و بسته به امیریا لیسوم رژیم شاه، چرا که وقتی راه انداختن نظام سرما به داری و بسته به امیریا لیسوم در دستورات و تمام وظایف در این نظام ملموس و تنگ با آن مشخص و معین میگردد، بطور طبیعی و غیر قابل گریزی رژیم جمهوری اسلامی هم خط وهم سر نوشت با وابستگان به رژیم سابق شده پیشین میگردد، و بیشتر و بیشتر در برابر توده های خلق بصورت مانع اصلی تهاز می یاید. بهمین دلیل هم بیشتر عدم "قاطعیت" در کردستان و... مورد انتقاد قرار میاید - غیردنا مسئله عقووا و اکپها و سران رژیم گذشته، از بازگان "انتقاد" میشود، اما نه برای اینکه انقلاب را سرکوب میگرد، بلکه برای اینکه در این کار "قاطع" نبوده است.

مسئله دومی که در سخنان آیت الله خمینی بطور آشکارا روبازری خود را نشان میدهد مشوب کردن اذهان توده ها، انحراف افکار آنها و جلوگیری از فروریختن توهم آنها میباشد. این تاکتیکی است که تا کنون در بکرات اتفاق داده است. برجسته ترین نمونه آن در گذشته برخورد به دولت بازرگان و انداختن تمام شکستیا بگردن آن بوده است. اکنون، تاکتیک مزبور یعنی قربانی کردن عده ای برای حفظ کامل رژیم، دامنه عملش حیات سیاسی قطب زاده، مساجی و بسیاری دیگر از اصطلاح لبرالها و عناصر مترجم را مورد تهدید قرار داده است. طراح و مجری چنین تاکتیکی، حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی است که در راه تحقق اهداف خویش سنجوسیا رتعیین کننده ای از سید و پناه نبوده ای آیت الله خمینی (که بدلیل زیادی به حزب جمهوری اسلامی و بورژواها و خرده بورژواهای متشکل در این حزب نزدیک است تا جناح لبرالها) استفاده نمیکند و ضمن تقویت موضع خویش و تضعیف موضعیت حزب سلف ("لبرالها") در هیئت خاکه جانات اژکل رژیم جمهوری اسلامی را هم مدنظر دارد. بنا بر این و بنا توجه به گفتار بالا، انتقاد تند به آیت الله خمینی به لبرالها و انزرا آنها، چون وزارتخانه ها و دفاع او

تا اینجا انقلابیون هم زرم راهای دشواری را پیموده و هموار کرده اند، و شهرام با حضور خود در صف مبارزان سا زمان همچون صفی درست راست عدد - نه فقط به کمیت بلکه به قدرت کیفی سا زمان می افزاید. کارها و رهبری سا زمان از چند ماه پیش حل "بحران سا زمان" را در دستوردا رند و ریشه آنرا می جویند و می گویند ضعفها را جبران کنند و آثار ضربات را خنثی نمایند و ضایعات وارده را ترمیم نمایند. شهادتهای بیبایی بازان هم زرم و دستگیریها تساب تحمل آن شرایط جهمی را بر برخی از روحیه های حساس - که جدا از منشا طبقاتی آنها و ماهیت غیر پرولتری سا زمان نیست - می بندد، برخی از این جوانان که طاقشان طاق شده خود را به آب و آتش میزنند و به تعبیر دیگر نا پیگیری طبقاتی و ایدئولوژیک خود را در تحمل دشواریهای مبارزه به نمایش می گذارند.

سا زمان علیرغم قید و بند های فرهنگ مذهبی و علیرغم گرفتاری در مشی روشنفکرانه و اراده گرایانه چریکی و علیرغم نداشتن بیوند لازم با مبارزان کارگران و زحمتکشان، یک سازمان انقلابی است که سرسختانه به حیات و پیشروی خود ادامه می دهد. سا زمان در تجربه ها و افت و خیزهای خود میزبان پیگیری اقا و مختلف اجتماعی را می - آزما یاید. سا زمان از تئوری راهنمای علمی (مارکسیسم - لنینیسم) که بقول شهرا چون نورافکنی زوایای تاریخ را برای ما روشن میکند برخوردار نیست و ناگزیر در راه تجربه گرای می و او هم طبقاتی گرفتار است. میزان حمایت آیت الله خمینی از مبارزات انقلابی علیه رژیم شاه را در مذاکرات نما یندگان سا زمان با آیت الله رسال ۵۰ سنجیده و در داخل با بی تفاوتی "مراجع عالیقدر" و روحانیون با اصطلاح مبارزاتی مراجع ما در آن و خانوادها و زندانیان به آنان آشنا شده است. برخی از روحانیون و اقا و متوسط مذهبی بتوئی از سا زمان حمایت میکنند ولی این حمایتها (علیرغم اهمیت که در خود داشته) معلوم به تاجه حدی مقتدی و زودگذر است. از گوشه و کنار سا زمان و رفقای تیزهوشی نظیر شهرا چه از درون زندان و چه از بیرون، بارها نسبت به میزان بیبند با اقا و متوسط بورژوازه بازاریان همداردا ده می شودی آنکه مبارز بودن آنها علیه رژیم شاه و امیریا لیسوم البته بطور نسبی - نفسی گردد.

... سا زمان علیرغم ضربات و دشواریها، از زندگی مبارزاتی با همان استنباطات غیر پرولتری خود مینموزد ضایعات را حتی الامکان با پیوستن نیروهای انقلابی صدیق و بیگیر جبران میکند و به پیش میرود. بیبوستن شهرام مرحله ای تازه در حیات سا زمان می گشاید. بیبوش ژرف و بیویای شهرام و جسارت و قاطعیت او در برخورد با مسائل سا زمان و قدرت او در تئوریزه کردن راهلهای پیشنها دی، سا زمان را نه یک قدم بلکه قدمهای بلند متعددی در زمینه مسائل سیاسی و تشکیلاتی و مقابله با تاکتیکیهای تعقیب و مراقبت و نیز انجام عملیات نظامی به پیشش میبرد. انتشار رتشریه داخلی، انتشار رتشریه منبسی - نظامی، اهمیت ویژه قائل شدن به مسائل آموزشی، رفتن اعضا به کارخانه و... شکل مرتب بخود می گیرد، اواب قدرت فوق العاده خود که مدیون آشنائی نسبی اش با مارکسیسم و استعداد ذاتی بود، تحلیلها و مسائل تازه ای را در سا زمان عنوان میکند. تحلیل سیاسی او از اعدام انقلابی مستشار آمریکا ثی ها و کپی راولین اشرا و پس از خروج از زندان است که کمتر در سا زمان نمونه اش دیده شده بود. و پس بخنثی ثی که او نوشت و بصورت کتاب در آمد ما نند "حتفا را میرا طوری دلاز" و "تودین" سازماندهی و تاکتیکیا و بعدها "تحلیل روابط ایران و عراق" که همگی در خود دو با تمامی انحرافات موجود در آن (بخصوص ایران و عراق) از آثار قابل عرضه جنبش انقلابی سا زمانها در سطح جهانی است. و با لآخره جزوه سبز (یا جزوه آموزش) کسه بطور پله ای و بتدریج خمیر ما به کتاب بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک گشت و با سخ بنیازی بود که بخش مهمی از اعضای سا زمان عمیقاً آنرا احساس میگردند. بدون تردید اگر برخورد بیبشتا زانه و قاطعانه شهرام برای نیل بسسه حقیقت مارکسیسم طی همین دوره هم نتوبدیا زبسیاری از اعضای سا زمان - همانطور که زمینهاش از قبل بوجود آمده بود - مارکسیسم لنینیسم را می پذیرفتند چنانکه در داخل زندان در مورد بیسیاری از همزرمان ما هدا صورت گرفت و در اینجا ست که مرز بین یک تحلیل علمی از جگونگی بیبوستن بخش منشعب کمونیستی و علل و عوامل عینی و ذهنی آن و تحلیل فردگرایانه خود تها گرا نه که بیبوستن عمده کارها و اعضای سا زمان را به مارکسیسم لنینیسم تحت عنوان کودتای فردی این با آن عنصر مطرح میکند، مشخص میگردد، در فاصله ۵۲ - ۵۴ او بیسیاری از کارها و عنا صر سا زمان به هویت ایدئولوژیک و سیاسی تشکیلاتی تازه ای دست می یابد و در ادها تا او اواخر سال ۵۶ استعداد های گوناگون و گاه متناقضی شکفت. اوسکان گشتی سا زمان را در درباریای متلاطم و خشونت بار مبارزه آن سالها در دست دارد و بیسیاری از مشکلات و خطرات را بنحوی تنوع آمیزا زبیتن با بر میدارد و بیسیاری از عملیسات مسلحانه ضار تها عینی و ضار میریالیستی را که در جارجوب متی چریکی از جمله عملیات برجسته و قابل تحسین مینا شد، نظیر اعدام انقلابی سز شیب زندی پور، اعدام انقلابی مستشاران آمریکا ثی، انفجار رمقرگا ردها ننگا صنعتی (شریف) و... را طراحی میکند و در همین مرحله است که متاسفانه ضمن دارا بودن نقش پیشرو در حرکت بخش منشعب بسوی مارکسیسم - لنینیسم دچار اشتباهاتی خطرناک میشود. این اشتباهات بهیچوجه جدا از ماهیت طبقاتی سا زمان و گراینی که او آنرا نمایندگی میکرد و شرایط بسیار خشن و خونین خاکم بر مبارزه انقلابی آنروزها نیست و نتیجا در جارجوب نفاذ های درون خلقی و نوع برخورد به آن قابل بررسی است و بالاخره او هرگز لحظه ای به سازش با دشمنان خلق نیاندیشید و با تمام قوا علیه هرگونه سازش و تسلیم جنگید. او کسی است که در طول ۱۳ سال مبارزه انقلابی بی امان لکه سازش بردا ما نشتنسته است.

شهرام بتعمیر یک ضرب المثل معروف، بیان "اسب تیزتکی است که گا که دها پیش می لغزد" لغزنی که با توجه به معیار خود ممکن است آثار نا مطلوب و دردناکی مهجا بگدا رد (وگذاشت) اما این لغزشها هیچگاه از زبانی همسه جانیها ما رانیا بدتحت تا شیر خود قرار ندهد.

شهرام بدون شک یکی از انقلابیون برجسته سالهای اخیر و یکی از با استعدادترین و تیزهوشترین کمونیست های میهن ما و بی تردید یکی از چهره های سازشنا پذیر جنبش انقلابی خلق ما ست. پس از تحولات درون تشکیلاتی بخش منشعب در سال ۵۷ اوبط... صورت گرفت و تشکیلات همچنان به مبارزه علیه رژیم شاه ادامه داد، در قیام شکوهمند بهمن شرکت کرد و پس از چندین ماه مطالعه و بررسی شرایط جامعه که متکی بسسه دستاوردهای انقلابی سالهای گذشته و دهن تیز و هوشیا را و سود و در خالیکه صمیمیا نه خود را آماده میکرد تا از نوع فعالیت بسوی انقلابی خود را از سرگیرد به جنگ خرده بورژواها و بورژواهای کوردل، کینه توز و موبه جینانی افتاد که از

ارتباطها بی چون و چاره سازان و دادگماهای انقلاب و کمیته‌ها کا ملا درک میبود، آیت الله خمینی با حمله به "لیبرالها" و تضعیف آنها و در عین حال تقویت نهاد - های فوق الذکر فکر میکنند که میتوانیم به برکت کلمات عدیه و گونا گونی که در مقابل دارنفاق آید و هم از فروریختن توهم او عظامتوده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ممانعت بعمل آورد.

اما افزایش روزمره بحران اقتصادی - سیاسی - نظامی ... ریزش سریع توهم توده‌ها، رشد مداوم و شریع یافته نیروهای انقلابی و اعتلا جنبش توده - ای اجازه نخواهد داد که فکر و آرزوی آیت الله خمینی تحقق یابد. بسیاری از توده‌های آگاه خلق از زبان کمونیستها و با توجه به سیاستها و عملکردهای رژیم حاکم در پهنه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی... و در ارتباط با طبقات و اقشار مختلف خلقی - همچون کارگران و دهقانان ملیتهای تحت ستم، به آیت الله خمینی و رژیم حاکم میگویند: بیپرده تلاش میکنید، تا کما میباید شکستهای متواتر رژیم را به عهده بخشی از هیئت حاکمه بیاورید، ما هرگز فراتر از این نمیکنیم که در تمام سیاستهای اصلی رژیم، کل هیئت حاکمه و از جمله شخص شما بطور موثر و غیر قابل انکاری داخل بوده‌اید و در تمام مواردی که ما (توده‌ها) مورد هجوم و کشتار واقع شدیم چه هنگام حمله به کارگران چه زمان بیورش به ملیتهای تحت ستم در کردستان و ترکمن صحرا... کل رژیم جمهوری اسلامی متفق القول و متحد الراء بوده است، به عین تلاش میکنند خود را قیم ما تلقی کنند و بجای ما تصمیم بگیرند و بنا بر تصمیمات خود را به اجرا بگذارند. شما چگونه حاضر میشوید و به خود این اجازه را بدهید که خویش را ولی - الامرو قیم ما بدانید در حالیکه سیر و قیام این حقیقت را بخوبی نشان داده است و شد (آرزوی ناچاری) بارها خود ترا بر زبان آورده‌اید که صلاحیت شایستگی قیومت و حتی رهبری ما را ندارد. (۱) ما با زهم تفکر و بینش ولایت فقیه شما مطرح میکنند که حکومت از آن شما و مثال شماست و توده‌های خلق، همانها که انقلاب کرده‌اند، همانها که امروزه نموده‌اند، همانها که شهید داده‌اند... لیاقت و صلاحیت ادا راه مورخ خود را ندارند. (۲) لکن ما به شما میگوئیم که علی رغم نظر و عمل شما ما توده‌های زحمتکش خلق بر آنیم که به رهبری طبقه کارگر ما مورخ خود را با بدست بگیریم و دمگراسی واقعی را تحت پرچم جمهوری دمگراسی - خلق برپا داریم. و کما یلا قاطعا نه و با صراحت اعلام میداریم که در این راه هیچ قدرتی را با زای مقابله با ما نخواهد بود و هیچ تا کنیکی هم برای انحراف ما از راه اصولی و انقلابی ما که در عین حال منطبق بر سیرتکاملی تاریخ و نیروهای روبه رشد است منتهی شمرنی باشد، چرا که تاریخ جو زعبور طبقه کارگر را در این مسیر ورسیدن وی به قدرت و بدست گرفتن حکومت را ما در کرده‌است.

(۱) - بایدهمه اعتراف نکنیم که رسیدن به سیم، رسیدن رژیم، این مردم، این توده مردم بودند که ریختند و کارها را انجام دادند (از سخن آیت الله خمینی خطاب به استانداران با تعداد ۲۲ داد) واضح است که این سخن از یک دیدگاه انقلابی بیان نمیگردد، و بنا بوجه به دیدگاه ولایت فقیه آیت الله خمینی توده‌ها پسری ازین ندارند (به باور منی شماره ۲ جوع کنید) ولی با این حال این ایراد که نتیجه‌ها را واقعیت برده‌ها آیت الله است اگر چه بسیار زکدرا و موقنی

"برکت نا آگاهسی و بیانی تفاوتی اکثریت مردم" برابر یک قدرت در جمهوری اسلامی تکیه زده‌اند. آنها با تفکر و احسانات بسیار ابتدائی و حیوانی خود بفراتر از انقلابیون رزمنده‌ای چون او بودند و می خواستند با ابراد نهمنها و برجسیها و راه انداختن هیا هوکار زارنا جوانمردانهای را علیه مجاهدین خلق و کمونیستها برآهنا ندرند و در خدمت به امپریالیسم و عمال اشگام برآوند.

رژیم جمهوری اسلامی این مبارز دلیرسالهای خفقان و این انقلابی مقاوم را به زنجیر کشید تا مگر او را تسلیم کند. او را تحت شکنجه‌های جسمی و روحی قرار داد تا شاید او را به موضعگیری علیه همسنگران قدیم وادارند و بدینوسیله در جنبه انقلاب تفرقه بینا فکند، ما هها او را حتی از ملاقات با پدر و ما در محروم کرد و بکربخ ساعت وقت هوا خوری به او نداد. برای او حق پاسخ به اتهامات نا جوانمردانهای که اینجا و آنجا علیه او و سوابق انقلابیش در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون ارتجاع مطرح میشد قائل نگشت. فشارهای مستمرو عده‌های مکرر که اگر فقط پنج دقیقه علیه

مجاهدین خلق صحبت کنند با صلاح از مجازات معاف است بر او وارد مدولی او همچنان استوار ماند. نامه‌های درخشان او که نمایی نگر و حربه تسلیم تا بدیریک کمونیست دربار بر فشارهای طاقت فرسا است در تاریخ جنبش ضد امپریالیستی و کارگری و کمونیستی مینهن ما باقی خواهد ماند. اسنادی که نشان میدهد هر چند یک کمونیست و یا یک انقلابی اشتباه میکند، اما نمی تواند در آینده نسبت به منافع توده‌ها پای بند باقی بماند. اشتباهات و انحرافات خود را جبران نماید، مقامات او در برابر بر توطئه محاکمه، صرا را و بر عدم صلاحیت "دادگما" انقلاب" برای رسیدگی به فعالیتها و اودفاع جاناتها ساز این اصل، آموزنده و قابل تحسین است.

رفیق تقی شهرام، جوهر انقلابی خود را در مقام و دست یک ساله زندان نشان داد (۱). او علیرغم پای فشردن بر مواضع اصولی سیاسی - ایده‌ولوژیک خود و حفظ مرز بندی با نیروهای از قبیل مجاهدین خلق هرگز حاضر نشد در صف واحد اردوی انقلاب و خلق شگافی ایجاد کند و با تمام قوا در برابر بر توطئه درگیری با مجاهدین ایستاد و از این فراتر اقدام از موضع انقلابی سازمان مجاهدین دفاع کرد و عملانشان داد که در ازبایی و نحوه برخورد گذشته خود به سازمان مجاهدین به انتقاد ز خود رسیده است. رفیق شهرام طی دوره زندان اخیر مفروضاتی از خود نشان داد، که شاید برای کمتر کسی نظیرش را بتوان سراغ داد؛ او پس از آزادی رژیم کما لیا علیه آن مبارزه کرده و در روزهای که آزوش را داشته، به زندان مضافند. هیا هوی دروغها و اتهامات نا جوانمردان نه نیم بوسیله کما نیکه خود سوابق صدها تنگ و تسلیم و همکاری با رژیم‌ها را در اندام مال احمد رضا کریمی و صفر میرزا جعفر علاف و سحر یک حزب جمهوری اسلامی علیه و با لامیگردد، "روزنامه جمهوری اسلامی" و "مجاهدین انقلاب اسلامی" (۲) از بدبانه ترین نهمنها را به او می بندند و با تحریک و تحت فشار قرار دادن و سوء استفاده از آگاهی خانواده شهید سرف و اقی و دیگران چهره این مبارز خستگی ناپذیر را می کوشند به نهمنهایی نا جوانمردان به بیابند و جان جوی درجا عصبه علیه او ایجاد میکنند که حتی برای برخی از نیروهای مترقی دفاع از او در حکم یک امر غیر قابل قبول جلوه‌گر میبود. "دادگما" و "انقلاب" و در ردیف سرسردگان رژیم گذشته و عمال آمریکا قرار میدهند و با این موضعگیری خود دهنی طبقاتی رهبران جمهوری اسلامی را علیه انقلابیون کمونیست نشان میدهد. مقامات داستانی او را از حداقل حقوق یک منتهی سیاسی، چه در زمینه رسیدگی به اتهامات او در دادگاههای عادی و صالح، چه تماس با خانواده و چه حق انتخاب وکیل محروم می نماید. رژیم جمهوری اسلامی با این اقدامات جنایتکارانه خود و خشت خویش را از انقلابیون کمونیست بطور عریان بنمایش میگذارد و، این مبارز خستگی ناپذیر یک نهومی است تا از نهمنها و نا جوانمردانها، حقیقت را فدای مصلحت نمیکند، و به رسم رزین سازش ناپذیر ایستاده می میرد.

او با مقامت جانات خود در زندان، با ایستادگی بر روی اصول، با مخدوش نگسردن مسرز میسبان دوست و دشمن خلق، درک صحیح خود را از مناسبات درون خلقی که زمانی محدود شده بود خود نیز در آن نقش داشت به نمایش می گذارد. او زندگی انقلابی و سراسرتلاش و مبارزه خود را که در مقطعی به تراژدی انجامیده بود به حماسه بدل میکند. حماسه‌ای درخورست در تاریخ حماسه‌ای که نقطه مقابل آن، سنگ ابدی بر پیمانای مرتجعین واپس مانده‌ای است که میگویند برای به عقب گرداندن عقربه زمان و جرح تاریخ جا معما را به دوران سیا قسرون وسطی بکشانند.

رفیق شهرام با نشان خون خود و پایداری خود در کنار شهدای ارجمند جنبش خلق و جنبش کارگری و کمونیستی مینهن ما جای گرفت، یادش گرامی باد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۹/۵/۲

اعلامیه شماره ۹۵

(۱) - در مورد رفیق تقی شهرام ازبایی از برخورد های انقلابی وی در زندان و... همچنین رفیق نامیدن وی از جانب ما بعد توضیح خواهیم داد.

(۲) - راجع به احمد احمد خاش که برای بدام نداشتن انقلابیون در زمان رژیم شاه جنایتکار کمال هیکاری بسا ساواک را داشته بطوریکه تمام اطلاعات خود را در مورد مبارزین و خانواده آنها در اختیار ریلیس گذاشته و در کشنی های کمیته‌ها صلاح ضدخوابکاری برای معرفی و شکار انقلابیون در کنار رمزدوران کمیته می نشسته... و همچنین در مورد تهرات ویا و هه‌ایی که این عنصر خود فروخته در مورد برخی از رفقای سازمان ما در دادگاه مطرح کرده است در شماره بعد سخن خواهیم گفت.

همه‌ها نباید زهم خود بی نگرگوشه‌ای از حقیقت می باشد. (۲) - "این مردم، این توده مردم بودند که ریختند و کارها را انجام دادند حالا بعهد شما هاست به عهده همه ما است این که اینها گرفتند ما نگهش داریم، توده‌ها که دیگر نمی توانند مملکت را ادا رکنند توده‌ها را افشاده همه‌کارها را انجام داد و سیر دین دست شما آقا بان که در این امور هستیدا اینجا حالا با بدنگاهش دارند. این یک امامت الهی است. بایده‌ها ما گپین داریم" (از سخنان آیت الله خمینی خطاب به استانداران - با تعداد ۲۲ خرداد)

کمکهای مالی دریافت شده

۱۲۵۰۰	ح	۶۱۱۰	۳۰۰۰
۱۱۲۹۰	"	۲۲۰۰	۱۱۲۱۰
۱۰۰۰۰	د	۵۰۰۰	۹۵۰۰
۶۰۰۰	"	۲۸۰۰	۱۲۶۰۰
۷۰۰۰	ز	۱۶۰۰۰	۲۰۰۰
۴۳۰۰	"	۲۴۰۰	۹۰۰۰
۱۵۰۰۰	"	۲۲۰۰	۳۵۵۰۰
۱۲۸۰۰	ر	۶۰۰۰	۱۸۰۰۰
۲۴۰۰۰	س	۱۰۱۲۰۰	۱۶۸۰۰
۳۵۰۰	ص	۹۲۰۰	۸۲۰۰
۱۰۰۰۰	ب	۵۱۸۵۰	۱۰۴۲۰
۶۸۰۰	"	۹۰۰۰	۴۵۰۰۰
۱۱۰۰۰	ک	۸۵۵۰	۷۲۰۰

- ۱- رفیق کارگر هوادار سا زمان در مردودیت مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید.
- ۲- رفیق کارگر (ن - ۳۲) مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۳- رفیق هوادار سا زمان در سا مان شهر کرد مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید.
- ۴- خانواده رجمندرفیق شهیدم-ش کمک مالی شما رسید.
- ۵- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در منجسر مبلغ ۳۰۰ پیوند کمک مالی شما دریافت کردید.
- ۶- رفیق ب- ۹۹۹ هدیه شما رسید.

با ردیگر دستهای سیاه مزدوران کتیف امپریالیسم ساواکی های بخشوده شده و سرسپردگان رژیم شاه و... با بمب گذاری در میان مردم بیگناه آنان را به خاک و خون کشیدند اما این مزدوران باید بداند که اگر رهبران جمهوری اسلامی آنها را عفو میکنند و دولت آنها را برای جنایت و گشتار مردم باز میگذارند خلق ما هرگز آنها را نخواهد بخشید و آنها را برای فرار از جنگ انتقام خلق راه گریزی نیست.

من خاک پای ملت هستم...

"رفیق شهید ققی شهرام"



بقیه از صفحه ۱۱

چین...

اینان انحرافات عریان چین را بدستحکمکی جهت توجیه حنا نیت ملی ارتجاعی نوروئی امروز تبدیل میکنند. حمله رویزیونیستهای خروخجفی به جبر دیروزیان کینه آنان نسبت به دیکنا نوری برولناریا و ساختان سوسالیسم بود و حمله رویزیونیستهای خروخجفی به چین رویزیونیست و منقلا بلا حمله رویزیونیستهای چینی به نوروئی امروزیان رقابت ارتجاعی دوبروزوازی میباشند. رویزیونیستهای نوروئی و نوکران و دنباله روان آنان هرگز نمی توانند به ماهیت رویزیونیستی ملی حاکم برجین حمله نمایند، زیرا آنان خود در حما رهمان ماهیت دوبروزواژی قرار دارند آنان هرگز نمی توانند مضمون رویزیونیستی اقتصاد و سیاست، ایدئولوژی و فرهنگ منطبق رویزیونیستهای چینی را افشا کنند، زیرا خودنا مغزا سخوان بسه رویزیونیسم آلوده می باشند. رویزیونیستهای با یکدیگر اختلافاتی دارند، ولی این اختلافات منکمی بر موضعی مارکسیستی - لنینیستی نمیباشد. این اختلافات منکمی بر مفاع متفاوت دوبروزوازی و اهداف مختلف آنان میباشند. جوهر سیاست همسه رویزیونیستهای یکی است: خیانت نسبت به آرمان برولناریا و ارتداد نسبت به مارکسیسم - لنینیسم. این سیاست آن محور مشترکی است که همه رویزیونیستهای را به یکدیگر پیوند میدهد. به همین خاطر است که سوسال امپریالیسم نوروئی و نوکران او ما هیتا

تا توان از پیشبرد مبارزه ضد رویزیونیستی علیسه رویزیونیستهای حاکم برجین میباشند. مبارزه ضد رویزیونیستی را فقط مارکسیست - لنینیستهای راستین میتوانند به پیش برند.

بقیه از صفحه ۸

رادیه های...

رادیه های خارجی بخش می گردد بی سلاح نموده است. با افشای رادیه های امپریالیستی و ارتجاع در هر لباس از جلب توده های بسوی دشمنان خلق جلوگیری کنیم با فعالیت وسیع توده ای توده های راکه روز بروز بیشتر از رژیم کننده میشوند رابه حقانیت راه خود معتقد سازیم.

بقیه از صفحه ۳

مبارزه...

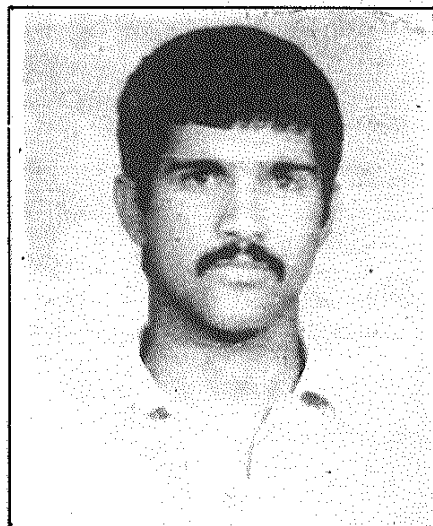
روز جمعه ۵۹/۴/۱۳ سپاه پاسداران شوشتر نماینده

کارگران را به همراه کارگردیگری دستگیر کردند. آنها می گفتند: "ما کی حامی سرما بدها ر بودیم؟ ما حامی نظم و امنیت و خواهان اجرای قانون هستیم. شما باید برای راهیما می و... اجازه بگیری"

پاسداران نماینده کارگران را با گرفتن اینکه من موافق شعار پاسدار حامی سرما بدها ر نبودم آزاد کردند ما کارگردیگرا تا روز شنبه در زندان نگه داشتند، آنگاه با گرفتن تعهدی مبنی بر اینکه دیگر در راهیما بی شعار ندهند آزاد کردند. کارگردیگور پس از آزادی مورد استقبال گرم دوستانش قرار گرفت پاسداران سرما بدها ر از آزادی وی تنها و گفته بودند: "میدانی چه جرمی مرتکب شده ای؟" آنها سپس عکس راکه به هنگام راهیما بی از او گرفته بودند بعنوان "سدانجام جرم" به او نشان دادند! آری در نظر سرما بدها ری وابسته، خواستن کار را، این ابتدایی ترین حق هر انسان جرم محسوب میشود!

فان، مسکن، آزادی

یاد رفیق شهید "رضایرتوند" گرامی باد



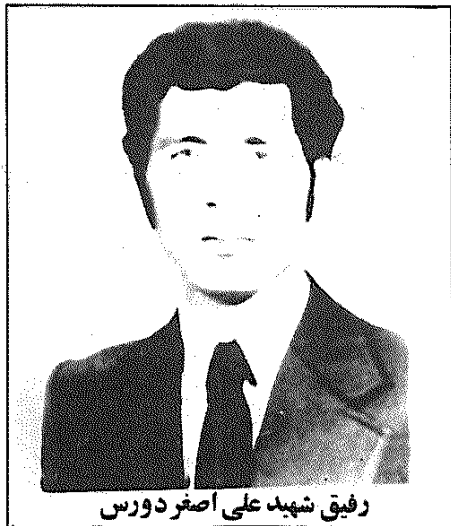
روز ۲۱ تیر ما همقارن با سالگرد شهادت یکی دیگر از انقلابیون کمونیست، رفیق پیکارگر "رضا یرتوند" به دست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بود. رفیق رضا از جوانان انقلابی "لالی" (از توابع مسجد سلیمان)، بواسطه فعالیت‌های انقلابی و افشاگرانه‌اش و بیعت وحشی که وجود او بر دل مرتجعین ایجاد کرده بود توسط دوتنفر از مزدوران کثیف رژیم پناهنده‌های طباطبائی (دانشجو) و "شو" (مهندس ساواکی) و با کمک ۶ نفر از اهالی لالی شهادت رسید. جریبان شهادت رفیق بدین قرار بود:

روز ۲۱ تیر ما ۵۸۵ مزدوران مرتجع رفیق رضا را در کناره رودخانه "آبشور" لالی محاصره میکنند، پس از درگیری مختصری با رفیق و مجروح نمودن او آنها سر رفیق رضا را در شنای ساحل رودخانه فرو برده و با تانمردی هرچه تمامتر خفاش میکنند و جسد او را در رودخانه میاندازند.

مزدوران کثیف پس از انجام جنایت تلاش میکنند که شهادت رضا را خفگی طبیعی در آب جلوه دهند. اما شواهد موجود در پزشکی قانونی، آزمایش‌های رفقای رضا از جسد او، تناقض کوشیهای پزشکی قانونی و عاملان جنایت پرده زوری جنایت هولناک برمی دارد و روشن میشود که رفیق رضا قربانی اقدامات ارتجاع گردیده است. و بدین ترتیب شهید دیگری برخیل شهیدای خلق افزوده میشود. ارتجاع با کشتاری که از انقلابیون بر او انداخته است با پدید آمدن که خون رضا و رضا‌های دیگر آتشی خواهد بود که بنیان او را خواهد سوزاند. درود بر رفیق شهید رضا یرتوند درود بر تمامی شهیدای بخون خفته خلق



خاطره رفقای شهید علی اصغر دورس و محمد صادق کفاش تهرانی را گرامی میداریم



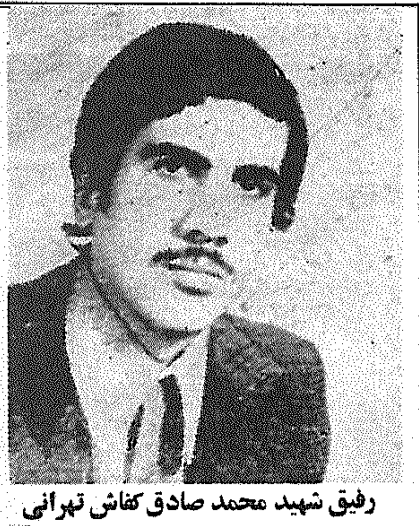
رفیق شهید علی اصغر دورس

چهارم مرداد سال مفا رست با پنجمین سالگرد شهادت رفقا علی اصغر دورس و محمد صادق کفاش تهرانی ایندو رفیق جان برکف دردورانی بمباران انقلابی خلقیها ما پیوستند که رژیم منغورنا هجلاد برای حفظ نظام سرما بهداری وابسته واستمرار چپا ول میهن مسا توسط امیربالیستهای غارتگریکی از خونخوارترین دیکتاتوریهیای قرن را برجا معه ما سلط ساخته بود. در آن دوران معیار انقلابی بودن در صحنه مبارزه خونین محک زده میشد.

آری! ایندو رفیق انقلابی کمونیست از اعضای بخش منشعب س.م.خ. با عشق به نوده‌های زحمتکش قدم در راه گلگون انقلاب ایران گذارند و بیهییکار انقلابی تا مرکز سرخ خویش ادا مهادند.

زمانیکه ایندو رفیق شهید همرا با کاروان سترگی از مبارزین راه‌های خلقیهای ایران در زیر سربق سربزه‌ها و در بیوروش چکمه‌پوشان محمد رضا شاهی با دلپاشی آکنده از مهرا استشارندگان با ما احبان زور و زور نبرد میکردند، میراث خواران انقلاب هرکدام به نحوی با اینخندرها بایت آمیروبا سکوت مرکبا نظر را هرک وقایع بودند و با درکوشهای از بیور و کراسی عربیض و طویل رژیم محسوس بهلوی به "خدمت" منقول بودند و با به توجیهی عملی خود مشغول بودند و البته گروه اندکی هم بودند که برای "بیروزی مستضعفین دست به دعوا برداشته بودند! و ایان امروز که با چنگ و دندان به قدرت چسبیده اند برای ساختن "گذشته درخشان" برای خود مجبورند که مبارزات انقلابی بهترین فرزندان خلق را الوت کنند.

رفیق علی اصغر دورس در سال ۱۳۲۲ در شهید متولد شد و در همانجا تحصیل کرد و سال آخر دبیرستان را در تهران گذراند و سپس "خدمت نظام" را در منطقه‌های بین فوجان و دره کرسیری کرد. دوره سربازی و زندگی در کنار روستا نشان محروم او را سبب ازینسازش با دردهای رحمتگان ددا ساز کرده و در ستمگری احما علی - ساسی ازینس موشری داشت. پس از طی یک دوره کمک میدی را دیپلومتریون در شرکت سوا سیرا استخدام دولتی، محیط سرخ اداری با روحیه بیروحک او ساز-



رفیق شهید محمد صادق کفاش تهرانی

کاری نداشت و او کار دولتی را رها کرد. رفیق در اینر آشنائی با رفیق شهید عبدا للها مینی در ارتباط بنا سا زمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت. او بسرای کسب اطلاعات از فعالیت‌های ساختمانی با یکا ه نظامی جا بهیها برای انجام ما مورینی به آنجا رفت و توانست اطلاعات گرانبهای در مورد آن طرح نظامی امپرسد بالیستی بدست آورد. رفیق شهید همچنین با شناخت از راه‌های مرزی و در اثر آمیختن با توده‌ها توانست امکانات فراوانی برای ورود و خروج رفقای مخفی از مرز در اختیار سا زمان قرار دهد. رفیق از ادیبهت ۵۶ بیعت بیگردد سا واک مخفی شد. بدینال تغییر و تحولات در سا زمان مجاهدین و ما رکسیست شدن بخشی از اعضای آن رفیق محمد صادق کفاش تهرانی نیز از انقلابیونی بود که با قبول آیدولوژی طبقه کارگریه بخش منشعب با زمان مجاهدین خلق بیعت بود و شناخته شهید سا زمان به فعالیت انقلابی خود ادا مهاد.

در سحرگاه ۴ مرداد ۱۳۵۴ خانه تیمی رفقا در کوی طلاب شهید در محاصره ده زخمیان نا قرار گرفت. رفقا دلاورانه مقاومت کردند و طی یک درگیری که دو ساعت طول کشید رفقا دورس و محمد صادق کفاش تهرانی در راه‌های زحمتکشان بخون غلطیدند. در جریان این درگیری مزدوران کثیفی سا میهای "هرمزجباری" و "سروان‌پریخی" (که بعدا در حرس گردی گرفت) و "آتشی" شرکت داشتند. جریان این تهاجم وحشیانه پلیس در روزنامه‌های رژیم سا و در رژیم مرداد ۵۴ تحت عنوان "کشف یک شبکه" وسیع خرابکاری در مشهد همرا با ستان بردار زنجاری پلیسی به چاپ رسید. رژیم نام رفیق کفاش تهرانی را سا ما کاظم مدنی اعلام کرد.

آری ایندو رفیق کلیه امکانات خود را در راه خدمت به راه‌های خلقیهای زحمتکشان در اختیار سا زمان قرار دادند. و سا تمام مدز را در تحقق آرمان والای طبقه کارگر و در رویارویی با امیربالیسم و رژیم بدست سنده و جخلقی اش شهادت رسانند.

گرامی باد سا در رفقای شهید علی اصغر دورس و کفاش تهرانی
درود بر تمامی شهیدای بخون خفته خلق